

## فصل ششم

### ترمینولژی حقوق کنسولی

هر متن حقوقی مرکب از اصطلاحاتی است که خاص آن رشته حقوقی است و دانستن مفهوم این اصطلاحات کلید درک مطالب می‌باشد. یک لغت و یا یک اصطلاح در رشته‌های مختلف حقوق ممکن است معانی متفاوتی داشته باشد، به همین دلیل لازم دیده شد، که در پایان این تألیف بعضی از لغات و اصطلاحات کنسولی تعریف شود تا فهم مطالب آسان‌تر گردد. در این ترمینولژی، به بعضی از سهوها و اشتباههایی که در ترجمه رسمی متن کنوانسیون دیده می‌شود اشاره گردیده است و در مواردی هم اصطلاحات مناسب‌تر ارائه شده، این انتقادات براساس سلیقه نگارنده است و اصراری در قبولاندن آنها نیست. نظم این مجموعه لغات و اصطلاحات براساس تشابه و تسلسل موضوعات است زیرا راه دیگری به نظر نرسید. اصطلاحاتی که در این ترمینولژی حقوق کنسولی توضیح گردیده، از متن (کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی) گرفته شده است. برای سهولت مطالعه و مقایسه، لغات و اصطلاحات فارسی با برابریهای فرانسوی و انگلیسی آنها ذکر گردیده است.

ETAT  
STATE

#### ۱ • دولت

شخص حقوقی، در حقوق بین‌الملل است. (دولت) بنا بر تعریف رایج تشکیل شده است از: جمعیت معین، در سرزمین محدود با حکومت واحد و مستقل. دولت با این مفهوم طی قرن شانزدهم ابتدا در قاره اروپا و سپس در سایر قاره‌ها پدید آمد و جهانگیر شد. نهاد کنسولی به مفهوم جدید، از مؤسسات دولتی است که همراه با پیدایش دولتها به وجود آمد. در زبان فرانسه و انگلیسی، حرف اول دولت را با حروف بزرگ می‌نویسند. در زبان

فارسی، گاه کلمه (دولت) را به جای (حکومت) به کار می‌برند که درست نیست. حکومت برابر گاورنمنت<sup>۱</sup> (فرانسوی) و جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده دولت است و در زبان حقوقی نباید این دو اصطلاح را به جای یکدیگر به کار برد.

در ترجمه رسمی منشور ملل متحد بارها لغت ETAT به کلمات دیگر ترجمه شده است. (چنانکه در مواد ۲-۳-۴-۱۲-۵۳-۵۴-۷۹-۸۰-۸۲-۹۳- و ۱۱۱ به (کشور) و در مواد ۲ و ۴ به (مملکت) ترجمه گردیده است).

در گذشته دور و قبل از پیدایش دولتها، روابط کنسولی وجود داشت ولی اساس این روابط بین افراد بود ولی امروزه فقط دولتها هستند که نزد یکدیگر پست کنسولی تأسیس می‌کنند و حق فرستادن و پذیرفتن مأمورین کنسولی را دارند و هیچ سازمان یا مؤسسه بین‌المللی دیگر از چنین حقی برخوردار نیست.

#### ETAT D'ENVOI SENDING STATE

#### ● ۲ دولت فرستنده

اصطلاحاً در حقوق کنسولی به دولتی گفته می‌شود که پست کنسولی را در کشوری دیگر تأسیس می‌کند و اعضا پست کنسولی را به این عنوان، به آن کشور می‌فرستند. نکته قابل توجه اینکه، اگر دولتی عضوی را که در پست کنسولی خود در کشور دیگر منصوب می‌کند، مقیم در محل، یعنی در همان حوزه کنسولی باشد، باز به آن دولت اصطلاحاً «دولت فرستنده» گفته می‌شود، گرچه این اصطلاح در چنین مواردی، نه از نظر لغت و نه از نظر معنی درست نیست، ولی به هر حال معنای قراردادی است.

در مورد ارسال کیسه کنسولی یا اعزام پیک کنسولی که در هر دو حال دولت فرستنده ممکن است خود دریافت کننده کیسه کنسولی بوده و یا خود مقصد پیک کنسولی باشد. چنانکه در (کنوانسیون درباره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد) - سال ۱۹۸۹ - طی ماده ۳ بند سوم، چنین آمده است:

«دولت فرستنده به دولتی اطلاق می‌گردد که کیسه از آنجا و یا از جانب نمایندگیها، پستهای کنسولی و یا هیأت‌های نمایندگی‌اش فرستاده می‌شود». بنابراین تعریف، دولت فرستنده ممکن است که خود دریافت‌کننده کیسه‌های کنسولی باشد که به مقصد آن ارسال می‌گردد.

ETAT DE RESIDENCE  
RECIEVING STATE

● ۳ دولت پذیرنده

اصطلاحاً در حقوق کنسولی به دولتی گفته می‌شود که یک پست کنسولی در آنجا از طرف دولت فرستنده تأسیس می‌گردد و اعضا آن پست را به این عنوان در سرزمین خود، می‌پذیرد.

از دولت پذیرنده و دولت فرستنده، در کنوانسیون روابط کنسولی تعریفی نشده است. در کنوانسیون درباره وضع پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد) - سال ۱۹۸۹ - اصطلاح (دولت پذیرنده) در رابطه با کیسه کنسولی و پیک کنسولی چنین تعریف شده است (طی ماده ۳ بند چهارم): اصطلاح «دولت پذیرنده به دولتی اطلاق می‌شود که در سرزمین خود کیسه‌های دیپلماتیک نمایندگی‌های پستهای کنسولی و یا هیأت‌های نمایندگی را دریافت و یا از قلمرو خود ارسال می‌نماید».

چنانکه از این تعریف برمی‌آید، دولت پذیرنده ممکن است خود فرستنده کیسه‌های کنسولی باشد که خود مبداء آن است.

ETAT TIERS  
THIRD STATE

● ۴ دولت ثالث

در اصطلاح حقوق کنسولی به دولتی گفته می‌شود که نه دولت فرستنده (اعضای کنسولی) است و نه دولت پذیرنده (آنان).

دولت ثالث بر این مفهوم بنا بر محتویات کنوانسیون دو حالت مختلف ممکن است داشته باشد:

۱. دولت ثالث بدون هیچگونه ارتباط با دولتهای فرستنده و پذیرنده در نظر گرفته شود.

در این صورت، به موجب ضوابط کنوانسیون روابط کنسولی، دولت ثالث نسبت به اعضاء پستهای کنسولی و کیسه کنسولی و پیک کنسولی دولتهای دیگر که از سرزمین آن عبور می‌کند، تعهداتی دارد که باید طبق آنها عمل کند. (موضوع ماده ۵۴ کنوانسیون)

۲. مفهوم دیگر دولت ثالث آن است که به طریقی با دولت فرستنده یا پذیرنده مربوط باشد. مثلاً پست کنسول دولت فرستنده با موافقت دولت پذیرنده در سرزمین دولت ثالث امور کنسولی انجام دهد (موضوع ماده ۷ کنوانسیون) یا پست کنسولی دولت فرستنده با موافقت دولت پذیرنده امور کنسولی دولت ثالث را در حوزه خود انجام دهد (موضوع ماده ۸ کنوانسیون) و یا دولت ثالثی، در هنگام قطع روابط بین دولت فرستنده و پذیرنده با توافق طرفین حافظ منافع یک یا هر دوی آنها در سرزمین یکدیگر باشد. (موضوع ماده ۲۷ بند اول - تبصره (ب) و (ج)).

#### NATION NATION

#### ۵ • ملت - دولت

ملت در اصل و به معنی لغوی به گروهی از مردم گفته می‌شود که دارای علائق مشترک نژادی باشند. ملت مفهوم حقوقی خاصی ندارد و موضوع حقوق بین‌الملل هم نیست. در حقوق بین‌الملل و در حقوق کنسولی، ترکیب‌هایی از لغت ملت وجود دارد ولی در همه جا منظور از آن (دولت) است.

در زبانهای آنگلوساکسن، (ملت) مترادف (دولت) به کار می‌رود و به مرور این اختلاط به همه زبانها راه یافته است، چنانکه در زبان فارسی نیز چنین است. برای مثال، در عنوان دو سازمان جهانی در قرن حاضر که دولتهای انگلستان و آمریکا در تأسیس آنها نقش اصلی را داشتند، (ملل) به جای (دول) به کار رفته است، که یکی جامعه ملل<sup>۱</sup> و دیگری سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> می‌باشد. با اینکه این هر دو سازمان مرکب از دولتها بوده و هستند و ملتها را به این سازمانها راه نبوده و نیست، معذک نام (ملل) را در خود دارند، گرچه صحیح‌تر بود اگر اینها

1. League of Nations

2. United Nations Organization

(جامعه دول) و (سازمان دول متحد) نامیده می‌شدند. در نام‌گذاری سایر سازمانها و آژانسهای تخصصی و مؤسسات که بین دولتها تشکیل گردیده، به همین روش رفتار شده است. حقوق بین‌الملل<sup>۱</sup> هم حقوق حاکم بر روابط بین دولتها را بیان می‌کند، نه ملتها را.

در مقدمه کنوانسیون، در پاراگراف سوم سخن از «روابط دوستانه بین ملتها» رفته است که در اصطلاح فرانسوی انترلس پیز<sup>۲</sup> و در انگلیسی امانگ نیشنز<sup>۳</sup> ذکر شده و چون موضوع به سیستم حکومتی و اجتماعی مربوط است، بهتر این است که به جای (ملت) همانند اصطلاح فرانسوی به (کشور) ترجمه شده و «روابط دوستانه بین کشورها» گفته شود.

برای تأیید این مطلب باید اضافه کرد که در:

(کنوانسیون وین درباره نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی) که در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۷۵ به امضاء رسید، طی ماده اول که تعریف اصطلاحات است به روشنی گفته شده است که «اصطلاح (سازمان بین‌المللی) به سازمانهای بین‌الدول اطلاق می‌شود».

#### NATIONALITE NATIONALITY

#### ۶ • تابعیت

علقه سیاسی بین اشخاص یا دولت متبوعشان است. اصطلاح فارسی (تابعیت) کاملاً رسای معنی است ولی کلمات خارجی که برابر (تابعیت) هستند، مفهوم مورد نظر را به خوبی نمی‌رسانند، زیرا این کلمات مفهومی از ملیت به معنی نژادی را در بردارند و رابطه حقوقی و سیاسی اشخاص را با دولت بیان نمی‌کنند. در حقوق کنسولی مسأله تابعیت از دو نظر مورد توجه قرار می‌گیرد:

یکی اینکه بزرگترین و مهمترین وظایف کنسولی، از قدیم‌الایام حمایت از اشخاصی است که تابعیت کشور فرستنده را دارند (موضوع ماده ۵ کنوانسیون)

دیگر اینکه مسأله تابعیت اعضای پست کنسولی، تابع ضوابط خاصی است که در

---

1. Law of Nations و یا International Law

2. Entre Les Pays

3. Among Nations

کنوانسیون دقیقاً تعیین گردیده است (موضوع ماده ۷۱ کنوانسیون) تابعیت شامل کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشد و در مورد اشیاء و وسائط نقلیه (اتومبیل، کشتی و هواپیما) نیز به کار می‌رود. در مورد وسائط نقلیه، تابعیت به کشور محل ثبت آنها مربوط است.

RESSORTISSANTS  
NATIONALS

۷ • اتباع

(تبعه) مترادف است با (اتباع). تبعه جمع تابع است و نباید به معنی مفرد (چنانکه در زبان فارسی رایج است) به کار برده شود. مثلاً درست نیست گفته شود فلان کس تبعه فلان کشور است بلکه باید گفت «از تبعه فلان کشور است». علت درهم شدن لغات در این مورد آن است که در فارسی لغت مفرد برای تبعه یا اتباع به مفهومی که منظور ماست وجود ندارد و لغت (تابع) به معنی (یکی از اتباع) به کار نمی‌رود و معنی دیگر دارد.

اتباع کشور ممکن است اشخاص طبیعی (یا حقیقی) و یا اشخاص حقوقی باشند. موضوع اتباع در مواد ۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۷۱ مورد بحث قرار گرفته و ضمناً پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت ضمیمه کنوانسیون است. در ماده ۵ که عنوان (وظایف کنسولی) را دارد، سخن از کشتی‌ها و ناوهای است که «ملیت»<sup>۱</sup> دولت فرستنده را دارند. بدیهی است که در این مورد نیز که مسأله هم‌نژادی مطرح نیست، بهتر است کلمه «تابعیت» گفته شود، چنانکه در ترجمه نیز همین کلمه به کار رفته است.

EGALITE SOUVERAINE DES ETATS  
SOUVEREIGN EQUALITY OF STATE

۸ • مساوات حاکمیت دولتها

مقصود این است که همه دولتها از نظر حاکمیت مساوی هستند. حاکمیت عبارت است از قدرتی که حکومت بلامنازع در سرزمین خود و نسبت به مردم خود (اتباع) اعمال می‌کند. مساوات حاکمیت از فرضیات اولیه حقوق بین‌الملل است که هنوز به اعتبار حقوقی خود باقی

1. Nationality یا Nationalité

است و در مقدمه منشور ملل متحد در مقدمه و طی مواد اول و دوم ذکر آن رفته و جزء اصول سازمان ملل متحد درآمده است. در مقدمه کنوانسیون روابط کنسولی نیز بر این اصل که به صورت «تساوی مطلق دولتها» بیان شده تأکید گردیده است و بسیاری از مواد کنوانسیون که در آنها رضایت و توافق دولتها شرط شده، مبتنی بر همین اصل می‌باشد.

شگفت اینکه، اصطلاح خارجی که درست برابر «مساوات حاکمیت دولتها» است در ترجمه فارسی متن رسمی کنوانسیون به «مساوات مطلق دولتها» ترجمه شده است، چنانکه معلوم است، در متن اصلی ساورین<sup>۱</sup> که برابر با «حاکمیت» است آمده و این یک اصطلاح حقوقی می‌باشد و دارای معنی روشن و دقیقی است، بنابراین ترجمه آن به «مطلق» کاملاً نارسا و نادرست است.

CONSENTEMENT MUTUEL  
MUTUAL CONSENT

● ۹ رضایت متقابل (دولتها)

با توجه به اینکه کنوانسیون براساس مساوات و حاکمیت دولتها تدوین شده، بنابراین اساس بسیاری از قواعد و مقررات آن بر تراضی طرفین (دولت فرستنده و دولت پذیرنده) نهاده شده است.

گاه رضایت متقابل به صورت تصمیم یک طرف و قبول آشکار یا عدم مخالفت طرف مقابل بیان شده است. کثرت موارد لزوم رضایت متقابل دولتها را که دلیل ارج نهادن بیش از اندازه به مساوات و حاکمیت دولتهاست، باید از نقاط ضعف کنوانسیون به شمار آورد و این نیز ناشی از اوضاع و احوال بین‌المللی در زمان تدوین و جو کنفرانس که در جریان جنگ سرد تشکیل شد، بوده است.

LE CONSENTEMENT EXPRESS  
THE EXPRESS CONSENT

● ۱۰ رضایت صریح

رضایت یا موافقت یک دولت است که به صراحت، مثلاً به صورت کتبی اظهار شود.

این نوع رضایت در مواردی است که موضوع مورد رضایت عواقب مهم و یا اهمیت خاصی داشته باشد. مثلاً در مورد صرفنظر از مصونیت اعضاء پست کنسولی از طرف دولت فرستنده. (موضوع ماده ۴۵ کنوانسیون).

LE CONSENTEMENT PREALABLE  
THE PERIOR CONSENT

۱۱ • رضایت قبلی

رضایت یا موافقتی است که قبل از یک اقدام یا یک انتصاب از دولت مقابل کسب شود، مثلاً تأسیس پست کنسولی یا تعیین حوزه کنسولی و یا انتصاب رئیس پست کنسولی که از قبل رضایت و موافقت دولت پذیرنده کسب می‌گردد.

ACCORDS INTERNATIONAUX  
INTERNATIONAL AGREEMENTS

۱۲ • موافقتنامه‌های بین‌المللی

نوعی قرارداد بین دولتهاست که مطالب آن از نظر بین‌المللی دارای اهمیت زیاد نیست و معمولاً طرفهای آن از دو دولت تجاوز نمی‌کند. قراردادهایی که بین دولتها در زمینه کنسولی بسته می‌شود، معمولاً از نوع موافقتنامه است و در آن نسبت به استقرار روابط و تأسیس پست کنسولی و امتیازات کنسولی در چهار دیوار کنوانسیون و یا خارج از آن توافق می‌شود. این موافقتنامه‌ها که مسائل کنسولی را در بردارند ممکن است عنوان (موافقتنامه کنسولی) را داشته باشند و یا تحت عنوان موافقتنامه مودت یا بازرگانی و موافقتنامه‌هایی با عناوین دیگر گنجانیده شوند.

کنوانسیون روابط کنسولی جایگزین موافقتنامه قبلی در زمینه کنسولی نبوده و اینها همچنان به اعتبار خود باقی مانده‌اند و ضمناً کنوانسیون مانع انعقاد موافقتنامه‌هایی که بعداً در تأیید یا تکمیل یا توسعه قلمرو اجرایی محتویات این کنوانسیون باشد، نیست. (موضوع ماده ۷۳ کنوانسیون)

COUTUME  
CUSTOM

۱۳ • عرف

عرف به قواعدی گفته می‌شود که به صورت نوشته تدوین نشده ولی بر اثر مشابه دولتها و به مرور زمان و برحسب تکرار، در روابط بین‌الملل پدید آمده است. قواعد عرفی از منابع مهم حقوق بین‌الملل، و از جمله حقوق کنسولی بوده است. اعتبار قواعد عرفی در حدود قواعد قراردادی است و در همان حد از ضمانت اجراء برخوردار است. اکثر قواعد و مقرراتی که در کنوانسیون روابط کنسولی آمده است، در اصل جزء قواعد و مقررات عرفی و رایج در روابط بین‌الملل بوده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل که مأمور تهیه و تدوین که روابط کنسولی بود، با کوشش خود قواعد و مقررات عرفی کنسولی را گردآوری و تنظیم کرد و به صورت طرحی درآورد که در کنفرانس وین ۱۹۶۳ با اصلاحاتی به تصویب رسید و با عنوان (کنوانسیون) به صورت کد مدونی فراهم گردید.

طی ماده ۱۰ کنوانسیون، در ترجمه فارسی متن ماده مذکور، اشاره به عرف شده است درحالی که در متن خارجی آن سخنی از عرف نیست، بلکه کلمه یوزیج<sup>۱</sup> به کار رفته است که معنی غیر از عرف دارد و باید به (رسوم) ترجمه شود. در مقدمه کنوانسیون آمده است که در مورد مسائلی که صریحاً تکلیف شده است قواعد (عرفی) حقوق بین‌الملل همچنان حاکم خواهد بود.

LES LOIS  
THE LAWS

۱۴ • قوانین

(قانون) به صورت مفرد، معانی متعدد دارد و در هر یک از رشته‌های علوم به مفهوم خاصی به کار می‌رود. در کنوانسیون روابط کنسولی، در مواردی به (قوانین) به صورت جمع، اشاره شده و منظور از آن قواعدی است که به صورت مواد تدوین شده و پس از طی تشریفات لازم، طبق مرسوم هر کشور، از مراجع قانونگذاری گذشته و از طرف مقامات مربوطه امضاء و انتشار یافته باشد. از نظر کلی حقوقی، قلمرو اعتبار قوانین هر کشور، اصولاً قلمرو داخلی همان

کشور است، ولی در روابط کنسولی و در کنوانسیون مربوط، در دو مورد به قوانین کشورهای رجوع شده است:

یکی در مواردی که بعضی مسائل مربوط به امور کنسولی، به قوانین داخلی هر کشور واگذار شده است. مثلاً نحوه انتصاب مأمورین کنسولی (موضوع ماده ۱۰ کنوانسیون). دیگر اجراء بعضی قوانین کشور فرستنده در قلمرو کشور پذیرنده، توسط پستهای کنسولی. برای مثال، اجراء قوانین مربوط به احوال شخصیه در مورد اتباع (موضوع ماده ۵ کنوانسیون).

#### REGLEMENTS REGULATIONS

#### ۱۵ • مقررات

مقررات که همیشه به صورت جمع به کار می‌رود، مفهوم دقیق و روشنی ندارد و دامنه آن بسیار وسیع است. مقررات می‌تواند شامل قوانین، تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعملها و سایر دستوراتی که دارای ضمانت اجراء است باشد. قواعد<sup>۱</sup> و اصول<sup>۲</sup> مفهومی کلی‌تر از مقررات و قوانین (Lois) مفهومی رسمی‌تر و دقیق‌تر و معتبرتر از آن را دارند. در کنوانسیون، به کرات به دنبال (قوانین)، مقررات ذکر شده است که منظور قوانین و مقررات داخلی کشورهاست.

#### USAGES USAGES

#### ۱۶ • رسوم

رسوم، جمع رسم<sup>۳</sup> است و آن مجموعه قواعدی است که اساس و منشأ پیدایش آنها رسم و یا رسوم می‌باشد. بعضی از رسوم جنبه بین‌المللی داشته و بعضی دیگر فقط در داخله یک کشور مرسوم است.

قواعدی که از رسوم ناشی می‌شوند اعتبار و استحکام قواعد قراردادی و عرفی را ندارند و با اینکه در عمل اجراء می‌شوند ولی از ضمانت اجراء برخوردار نیستند. در حقوق داخلی نیز

---

1. Normes  
3. Usage

2. Principes

رسوم ارزش و اعتبار قوانین و مقررات را - چنانکه شرح آنها داده شده است - ندارند. در ماده ۱۰ کنوانسیون، طی بند دوم که نحوه انتصاب و پذیرش رئیس پست کنسولی مطرح است تعیین آن را «به ترتیب طبق قوانین و مقررات و رسوم دولت فرستنده و دولت پذیرنده» واگذار کرده است.

در این ماده با ذکر جمله «به ترتیب» در حقیقت بالاتر بودن درجه اعتبار (قوانین) نسبت به (مقررات) و برتری مقررات در مقایسه با (رسوم) بیان گردیده است. در متن فارسی ماده ۱۰ کنوانسیون، به جای رسوم که برابر یوزیج<sup>۱</sup> است، لغت عرف که به زبانهای خارجی برابر کاستوم<sup>۲</sup> است آورده شده که کاربرد نابجا و نادرستی است.

CONVENTION  
CONVENTION

۱۷ • کنوانسیون

یکی از انواع قرارداد است که در آن قواعد مقررات عمومی و بین‌المللی که دامنه اعتبار آن وسیع و گاه جهانی است گنجانیده می‌شود. در ترجمه فارسی گاه کنوانسیون را برابر قرارداد و یا عهدنامه می‌آورند ولی اصطلاح کنوانسیون ارجح است و امروزه در زبان حقوقی فارسی پذیرفته شده است. کلمه (کنوانسیون) در عنوان (کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی) به کار رفته است. ولی در مورد کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک، لغت (کنوانسیون) به (قرارداد) ترجمه شده است.

۱۸ • کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی

CONVENTION DE VIEN SUR LES RELATIONS CONSULAIRE  
VIENNA CONVENTION ON CONSULAR RELATIONS

این عنوان چنانکه هست و باشد باشد، به طور رسمی ترجمه شده و به تصدیق مجلس شورای ملی وقت رسیده و رسمیت دارد. این کنوانسیون در کنفرانس وین سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید. پس از گذراندن تشریفات لازم، مقررات این کنوانسیون از تاریخ ۱۴ تیرماه ۱۳۵۴ (۵)

ژوئیه ۱۹۷۵) در مورد ایران لازم‌الاجراء گردید. در این تألیف، هر جا به تنهایی سخن از «کنوانسیون» رفته است، منظور همین کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۱۹۶۳ می‌باشد.

۱۹ • کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

CONVENTION DE VIEN SUR LES RELATIONS DIPLOMATIQUE  
VIENNA CONVENTION ON DIPLOMATIC RELATIONS

در متن فارسی این کنوانسیون که از مجلس شورای ملی وقت گذشته و رسمیت دارد، عنوان فوق به «قرارداد وین درباره روابط سیاسی» ترجمه شده است که ترجمه نادرستی است. نظر به اینکه ترجمه این کنوانسیون به زبان فارسی درست نبود، اداره حقوقی وزارت امور خارجه در سنوات بعد ترجمه دیگری از آن کرد که بعضی ایرادات قبل در آن تصحیح شده بود، از جمله عنوان فوق به «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» تبدیل گردید. بعضی از نویسندگان حقوقی، متن اخیر را معتبر دانسته‌اند. آقای دکتر جواد صدر در کتاب (حقوق دیپلماتیک و کنسولی) چاپ دوم، از انتشارات دانشگاه تهران در زیرنویس صفحه ۱۷۵ می‌نویسد: «متن فارسی این عهدنامه ترجمه‌ای است که وزارت امور خارجه تهیه کرده و به همین صورت نیز به تصویب قوه مقننه ایران رسیده و رسمیت دارد».

در کتاب (حقوق دیپلماتیک نوین) از آقای عباس معین‌زاده، همین تکرار شده و متن ترجمه شده توسط اداره حقوقی وزارت امور خارجه، معتبر دانسته شده است (صفحه ۱۹۵). ولی در نظر ما متن معتبر و مستند همان متنی است که از مجلس شورایی ملی وقت گذشته است و برای مثال چنانچه اختلافی در اجراء کنوانسیون بین وزارت امور خارجه و وزارت کشور پیش آید، باید به متن نخستین استناد کرد.

DIPLOMATIQUE  
DIPLOMATIC

۲۰ • دیپلماتیک (یا سیاسی)؟!

از خطاهای بزرگ در ترجمه کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک، به زبان فارسی که متن آن به تصویب مجلس شورای ملی وقت نیز رسیده و رسمیت دارد، این است که در همه جا

دیپلماتیک Diplomatique به سیاسی ترجمه گردیده است، از جمله در اصطلاحات زیر: نمایندگی (دیپلماتیک) به مأموریت (سیاسی) - روابط دیپلماتیک به روابط سیاسی، نماینده دیپلماتیک، به نماینده سیاسی، مأمور دیپلماتیک به مأمور سیاسی، هیأت دیپلماتیک به هیئت سیاسی، کیسه دیپلماتیک به کیسه سیاسی، پیک دیپلماتیک به پیک سیاسی و غیره .... توضیح زائیدی است اگر گفته شود که سیاست برابر با پولیتیک<sup>۱</sup> است و آن علمی است جدا از دیپلماسی<sup>۲</sup> و بحث درباره تفاوت این دو علم موضوعی جداگانه است. در کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی، بارها به کنوانسیون روابط دیپلماتیک اشاره شده ولی همه جا، این غلط تصحیح گردیده و به جای سیاسی، لغت درست (دیپلماتیک) به کار رفته است.

PROCOLE FACULTATIVE  
OPTIONAL PROTOCOL

● ۲۱ پروتکل اختیاری

در پروتکل اختیاری، ضمیمه کنوانسیون روابط کنسولی است و حاوی مقرراتی درباره روابط کنسولی می‌باشد. این دو پروتکل: یکی مربوط به حل اجباری اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون از طریق مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری است. و دیگری مربوط به تحصیل تابعیت اعضاء پستهای کنسولی و اعضاء خانواده آنان می‌باشد. اصولاً ضوابط این دو پروتکل می‌بایست در متن کنوانسیون گنجانیده می‌شد ولی چون در مورد آنها اتفاق نظر بین دولتهای شرکت‌کننده در کنفرانس وجود نداشت، تصمیم گرفته شد این مواد به صورت جداگانه در دو پروتکل تنظیم شده و ضمیمه کنوانسیون گردد.

تفاوت مواد این دو پروتکل با سایر مواد کنوانسیون در این است که محتویات آنها فقط در مورد دول امضاء کننده این پروتکلها معتبر بوده و لازم‌الاجرا است و برای دولتهایی که آنها را امضاء نکرده‌اند تعهدی ایجاد نمی‌کند.

● ۲۲ پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات

PROTOCOLE DE SIGNATURE FACULTATIVE CONCERNANT  
LE REGLEMENT OBLIGATOIRE DES DIFFERENDS

این پروتکل مرکب از ۱۰ ماده است ولی موضوع اصلی که حل اختلافات است در سه ماده اول آن مندرج است.

● ۲۳ پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت

PROTOCOLE DE SIGNATURE FACULTATIVE CONCERNANT  
L'AQUISITION DE LA NATIONALITE

این پروتکل مرکب از ۸ ماده است ولی موضوع اصلی فقط در ماده ۲ آن گنجانیده شده که  
اعضاء پست کنسولی و خانواده آنان را از مقررات قانونی دولت پذیرنده درباره تابعیت معاف  
می‌کند.

DECLARATION  
DECLARATION

● ۲۴ اعلام - اعلامیه - اظهارنامه

اعلام و اعلامیه و اظهارنامه از نظر حقوقی دارای مفاهیم متفاوت هستند. اعلام به معنی  
آگاه کردن و آشکارنمودن مطلبی برای عموم افراد یا دولتهاست، به هر نحو که باشد. اعلامیه به  
معنی آگاه کردن و آشکارنمودن مطلبی برای عموم افراد یا دولتها به طریق رسمی و علنی و  
معمولاً به صورت نوشته است که در این صورت می‌توان آن را (اعلامنامه) نیز گفت. اعلامیه در  
این معنی در حقوق بین‌الملل عمومی زیاد به کار می‌رود. اظهارنامه در مورد امور گمرکی گفته  
می‌شود. در کنوانسیون کلمه (اعلام) و (اعلامیه) بارها به جای ابلاغ<sup>۱</sup> ترجمه شده که کاربرد  
نادرستی است.

NOTIFICATION  
NOTIFICATION

● ۲۵ ابلاغ - ابلاغیه

در کنوانسیون بارها کلمه ابلاغ آمده، که همه جا (اعلام) یا (اعلامیه) ترجمه شده است،

در حالی که می‌بایست (ابلاغ) یا (ابلاغیه) ترجمه می‌شد. ابلاغ و ابلاغیه، چنانکه از معنای لغوی آن معلوم می‌شود، به معنی رساندن مطلبی به یک یا چند فرد یا دولت معین و مورد نظر است و این برخلاف اعلام یا اعلامیه است که برای آگاهی عموم می‌باشد.

مواد ۷ و ۸ و ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون از جمله مواردی است که در آنها به جای ابلاغ یا ابلاغیه، به غلط اعلام یا اعلامیه کنوانسیون ترجمه شده است.

PROVISIONS  
DISPOSITIONS

● ۲۶ ضوابط - محتویات

این کلمه خارجی در موارد متعدد طی متن کنوانسیون تکرار شده و در ترجمه متن فارسی اکثراً به (مقررات) ترجمه شده است.

چون در زبان حقوقی فارسی و خصوصاً در متن فارسی کنوانسیون، همه جا (مقررات) برابر با رگلمنتز<sup>۱</sup> آمده، بهتر این است که برای لغات خارجی مذکور در بالا، برابر دیگری در زبان فارسی آورده شود. نظر به اینکه مفهوم ضوابط<sup>۲</sup> کلی‌تر و مبهم‌تر از مفهوم مقررات<sup>۳</sup> است، بهتر اینکه در فارسی نیز بین دو مفهوم فرق قائل شویم و برای هر کدام لغت مناسب جداگانه برگزینیم.

در نظر ما برای مفهوم اول کلمه (ضوابط) و برای مفهوم دوم چنانکه معمول است (مقررات) لغات مناسب‌تری هستند.

● ۲۷ وزارت امور خارجه - وزارت خارجه

MINISTERE DES AFFAIRES ETRANGERES  
MINISTRY FOR FOREIGN AFFAIRS

معمولاً رسم بر این بوده است که وزارت مربوطه در ایران را (وزارت امور خارجه) و وزارتخانه‌های برابر آن را در سایر کشورها (وزارت خارجه) بنامند. گرچه این رسم همیشه

رعایت نمی‌شود. مع‌ذلک، تمیز این دو اصطلاح در زبان فارسی، نه تنها بی‌ضرر است، بلکه رعایت آن بر روشنی مطالب در مکاتبات و اسناد و نامه‌ها می‌افزاید.

در کنوانسیون روابط دیپلماتیک و کنوانسیون روابط کنسولی در مواردی جمله «وزارت امور خارجه یا، وزارتخانه دیگری که مقرر شده باشد» ذکر گردیده و این ناظر به مواردی است که در هنگام تدوین کنوانسیونها، یا بعد از آن در آینده، دولتی طبق قوانین داخلی خود، امور دیپلماتیک یا امور کنسولی خود را به سازمانی به نام دیگر و یا به سازمانی غیر از وزارت خارجه خود واگذار کند، برای مثال امور کنسولی خود را به وزارت بازرگانی ملحق نماید، چنانکه در گذشته در مواردی نیز چنین بوده است.

AUTORITES  
AUTHORITIES

● ۲۸ مقامات

در کنوانسیون کلمه (مقامات) در اصطلاحات مختلف به کار رفته است.

AUTORITES COMPETENTES  
COMPETENT AUTHORITIES

مقامات صلاحیت دار

این اصطلاح خارجی در بعضی مواد کنوانسیون به مقامات ذی‌صلاحیت ترجمه شده (ماده ۳۷) و در بعضی دیگر به مقامات صلاحیت‌دار (ماده ۳۷ و ۳۸ و ۴۱). معلوم نیست چرا دو اصطلاح برای یک مفهوم به کار رفته است.

AUTORITES CENTRALES  
CENTRAL AUTHORITIES

مقامات مرکزی

منظور مقاماتی است که در پایتخت کشور و یا در محل دیگری تمرکز یافته‌اند. (ماده ۳۸

تبصره ب)

AUTORITES LOCALES  
LOCAL AUTHORITIES

مقامات محلی

در کنوانسیون، منظور مقاماتی است که در مقر حوزه کنسولی مستقر باشند (ماده ۳۸).

POSTE CONSULAIRE  
COSULAR POST

● ۲۹ پست کنسولی

(پست کنسولی)، اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در کنوانسیون روابط کنسولی، در برابر

(مأموریت دیپلماتیک) آمده است. پست کنسولی به همه طبقات کنسولی، اعم از سرکنسولی، کنسولی و کنسولیاری اطلاق می‌شود که در گذشته به آنها سرکنسولگری یا سرفنسولی و کنسولگری یا کنسولگری و ویس کنسولی یا ویس قنسولی گفته می‌شد. کلمه (پست) که لغت خارجی است، عیناً در ترجمه فارسی و در کنوانسیون روابط کنسولی آمده است. اصطلاح (پست کنسولی) به معنی محدود، در مورد طبقه دوم از پستهای کنسولی که رئیس آن (کنسول) است نیز به کار می‌رود.

با وضع اصطلاح (پست کنسولی) در کنوانسیون، معلوم نیست برای چه اصطلاح از مد افتاده (کنسولگری) از زیر نظر مترجمین گریخته و وارد متن فارسی کنوانسیون شده است. مثلاً در ماده ۱ بند اول تبصره (الف) به جای پست سرکنسولی (سرکنسولگری) و به جای پست کنسولی (کنسولگری) ترجمه شده است. همچنین است در تبصره (ز) و (ح) که از (خدمه کنسولگری) سخن رفته است. اینها خطاهای ترجمه است که باید به بی‌توجهی مترجمین نسبت داده شود.

### ۳۰ ● (نماینده دیپلماتیک) یا (مأموریت دیپلماتیک)؟ MISSION DIPLOMATIQUE DIPLOMATIC MISSION

کلمه (مأموریت) برابر کلمه خارجی MISSION است ولی در ترجمه کنوانسیون روابط دیپلماتیک بهتر می‌بود اگر (نماینده) برابر (میسون) آورده می‌شد.

مأموریت مفهوم موقت دارد، مثلاً شخصی یا سازمانی برای انجام کاری مأمور می‌شود و با انجام آن کار، مأموریت نیز خاتمه می‌یابد، درحالی که یک سفارت مؤسسه دائمی است و نمایندگی دولت فرستنده را دارد. در ترجمه کنوانسیون روابط دیپلماتیک بهتر می‌بود اگر به جای اصطلاح تحت‌اللفظی (مأموریت سیاسی) اصطلاح (نماینده دیپلماتیک) اختیار می‌شد که در زبان فارسی و خصوصاً در زبان رایج در وزارت امور خارجه کاربرد زیاد داشته و دارد و مفهوم سفارت را به وجه بهتری می‌رساند.

نماینده دیپلماتیک، شامل هر سه طبقه از سفارت است که رؤسای آن سفیر (کبیر)،

وزیر مختار و کاردار دائم ممکن است باشند. (نمایندگی دیپلماتیک) در کنوانسیون روابط دیپلماتیک برابر (پست کنسولی) در کنوانسیون روابط کنسولی می‌تواند باشد.

**۳۱ • سرزمین دولت پذیرنده**  
TERRITOIRE DE L'ETAT DE RESIDENCE  
TERRITORY OF THE RECEIVING STATE

به جای سرزمین دولت پذیرنده، شاید بهتر می‌بود اگر (قلمرو دولت پذیرنده) گفته می‌شد، زیرا در کنوانسیون، این اصطلاح قلمرو زمین و قلمرو هوایی و قلمرو آبی را هم شامل می‌شود (این مفهوم از ماده ۳۷ کنوانسیون استنباط می‌گردد). از اصطلاح سرزمین بیشتر مفهوم زمینی آن مستفاد می‌گردد.

**۳۲ • حوزه کنسولی**  
CIRCONSCRIPTION CONSULAIRE  
CONSULAR DISTRICT

منظور تمام یا قسمتی از سرزمین دولت پذیرنده است که یک پست کنسولی در محدوده آن حق دارد وظایف خود را انجام دهد. در ماده ۱ تبصره (ب)، حوزه کنسولی چنین تعریف شده است: «ناحیه‌ای که برای انجام وظایف کنسولی به یک پست کنسولی اختصاص داده شده است». حوزه کنسولی بنابر ماده ۴ کنوانسیون، از طرف دولت فرستنده تعیین می‌شود و منوط به رضایت دولت پذیرنده است. (در متن اصلی فرانسوی و انگلیسی در این زمینه اختلاف جزئی وجود دارد. متن فارسی ظاهراً از متن انگلیسی ترجمه شده است).

در موارد خاص دولت پذیرنده ممکن است به یک پست کنسولی اجازه دهد که در خارج از حوزه خود نیز وظایف کنسولی انجام دهد (ماده ۶ کنوانسیون). وقوع بعضی سوانح هوایی و یا دریایی را می‌توان مشمول موارد خاص دانست.

**۳۳ • مقر پست کنسولی**  
LE SIEGE DU POSTE CONSULAIRE  
THE SEAT OF CONSULAR POST

منظور محل یا قرارگاه پست کنسولی است. مفهوم (مقر پست کنسولی) وسیع‌تر از (اماکن پست کنسولی) است. اماکن کنسولی ساختمان و محوطه پست کنسولی است ولی مقر

کنسولی به شهر یا بندری که اماکن کنسولی در آنجا واقع است گفته می‌شود. مقر پست کنسولی را با وجود شباهت و نزدیکی معنی که در زبان فارسی با اماکن پست کنسولی دارد، نباید با هم اشتباه کرد و از این نظر شاید بهتر بود اگر به جای (مقر)، به آن (قرارگاه) پست کنسولی، گفته می‌شد. شهر یا بندر مقر پست کنسولی همیشه در داخل حوزه کنسولی قرار دارد.

LOCAUX CONSULAIRES  
CONSULAR PERMISES

● ۳۴ اماکن کنسولی

«یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد منحصرأً برای انجام مقاصد پست کنسولی مورد استفاده قرار می‌گیرد». (ماده ۱ بند اول تبصره ی) در صورتی که «دفاتر سازمانها یا آژانسهای دیگر در قسمتی از بناهای اماکن کنسولی ... مستقر گردد» دفاتر مزبور جزء اماکن کنسولی به شمار نخواهد آمد. (موضوع ماده ۵۵ بند سوم) اماکن کنسولی، بنا بر تعریفی که شده ممکن است به صورت ساختمان مستقل یا آپارتمان بوده و همچنین ممکن است حیاط با باغ متصل به آن داشته باشد. اماکن کنسولی در توضیح بیشتر و دقیق‌تر، شامل اطاق رئیس پست کنسولی، دفاتر کار اعضاء، اطاقهای بایگانی، حسابداری، رمز و .... سالن انتظار مراجعین، آبدارخانه، گاراژ، اطاق نگهبان (اگر در داخل محوطه باشد) می‌گردد.

اماکن کنسولی به معنی وسیع شامل محل کار پست کنسولی، اقامتگاه رئیس پست کنسولی و مساکن مأمورین کنسولی می‌باشد، ولی در کنوانسیون این معنی مورد نظر نبوده و به مفهوم وسیع به کار نرفته است.

● ۳۵ اقامتگاه رئیس پست کنسولی

RESIDENCE DU CHEF DE POSTE CONSULAIRE  
RESIDENCE OF THE HEAD OF CONSULAR POST

در زبان فارسی و زبانهای خارجی، برای محل زندگی رئیس پست کنسولی و یا

نمایندگی دیپلماتیک اصطلاح خاص به کار می‌رود. در زبانهای خارجی به آن محل (رزیدانس) می‌گویند. در زبان فارسی و نزد اهل فن و حرفه نیز اصطلاح (رزیدانس) رایج است. در متنهای رسمی کنوانسیونهای کنسول و دیپلماتیک، رزیدانس به (محل اقامت) یا (اقامتگاه) رئیس پست کنسولی ترجمه شده است. اقامتگاه رئیس پست کنسولی نسبت به اقامتگاه رئیس نمایندگی دیپلماتیک از مصونیتهای کمتری برخوردار است. در مورد محل زندگی سایر اعضای پست کنسولی اصطلاح (مسکن Logement) به کار می‌رود تا با محل زندگی رئیس پست کنسولی متمایز باشد. محل کاری که دفاتر کنسولی در آنجا است اصطلاحاً (اماکن کنسولی) نامیده می‌شود. (مع‌ذک‌ک ماده ۳۰ کنوانسیون که عنوان «مسکن» را دارد هم اماکن کنسولی و هم مسکن اعضای را مطرح کرده است)

#### ARCHIEVES CONSULAIRES CONSULAR ARCHIVES

#### ● ۳۶ بایگانی کنسولی

«شامل کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاتر پست کنسولی به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع اثاثه که برای حفاظت و نگهداری آنها به کار برده شود، خواهد بود». ظاهراً مقصود از «اثاثه که برای حفظ و نگهداری» به کار می‌رود، قفسه‌ها و گاوصندوقهاست که اوراق و اسناد و پرونده‌ها در آن نگهداری می‌شود. گرچه تعریف بایگانی سعی شده مفصل و با ذکر جزئیات باشد، مع‌ذک‌ک تعریف جامعی نیست مثلاً دستگاه خردکردن کاغذهای محرمانه و رمز، که هر پست کنسولی حق داشتن آنها را دارد، در آن ذکر نشده و همچنین از اختراعات جدیدتر دستگاه تلکس، فاکس، کامپیوتر (که کلیه مدارک و اسناد را در حافظه خود نگاه می‌دارد) و دستگاههای دیگری که احتمالاً در آینده اختراع خواهد شد سخنی نرفته است.

تعریف بایگانی در کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک نشده بود و بنابراین، آمدن این تعریف در کنوانسیون روابط کنسولی را باید پیشرفتی در زمینه تدوین حقوق بین‌الملل به شمار آورد و همین تعریف را شامل بایگانی نمایندگیهای دیپلماتیک دانست. (موضوع تعریف

بایگانی در ماده ۱ بند اول تبصره (ک) کنوانسیون آمده است).

**۳۷ ● اموال کنسولی**  
LES BIENS DU POSTE CONSULAIRES  
THE PROPERTY OF THE CONSULAR POST

در کنوانسیون طی ماده ۱ بند اول که به تعاریف اصطلاحات کنسولی اختصاص دارد، ذکر از اموال کنسولی نشده است. به طور کلی اموال کنسولی را می‌توان چنین تعریف کرد که آن «شامل اثاثه، اسباب و اشیاء منقولی است که در داخل محوطه کنسولی یافت می‌شوند و همچنین وسائط نقلیه پست کنسولی در هر کجا که باشند» می‌باشد.

در موارد مختلف کنوانسیون، اموال کنسولی گاه به دنبال (اماکن کنسولی) و یا در کنار (بایگانی کنسولی) آمده است. ولی باید اوراق و اسناد و اشیاء مربوط به بایگانی کنسولی را از اموال کنسولی جدا کرد زیرا آنها مشمول مقررات خاص می‌باشند که در کنوانسیون تعیین گردیده است. در مواردی هم، در کنوانسیون اسباب و اثاثه و اشیاء و وسائط نقلیه کنسولی، جدا از اموال و در کنار آن ذکر شده که باید همه را جزء اموال کنسولی به شمار آورد. اموال کنسولی از مصونیت‌های مشابه (اماکن کنسولی) برخوردارند.

**۳۸ ● مکاتبات رسمی**  
CORRESPONDANCE OFFICIELLE  
OFFICIAL CORRESPONDENCE

«عبارت است از کلیه مکاتباتی که مربوط به پست کنسولی و وظایف آن می‌باشد» (ماده ۳۵ بند دوم) این تعریف که می‌بایست در ماده ۱ بند اول گنجانیده می‌شد، معلوم نیست چرا در کنوانسیون در ماده ۳۵ نقل گردیده است. مکاتبات رسمی بنابر تعریف فوق، مفهوم بسیار وسیع دارد و شامل نامه یک فرد عادی که به پست کنسولی خطاب می‌کند و برای مثال تقاضای تمبر می‌نماید، نیز می‌شود.

موضوع جدا کردن نامه‌های خصوصی اعضای پست کنسولی از نامه‌های کنسولی، خصوصاً در مورد پست کنسولی افتخاری اهمیت زیاد دارد و این از نظر مصونیتی است که نامه‌های کنسولی دارند.

۳۹ ● استقرار روابط کنسولی

ETABLISSEMENT DES RELATIONS CONSULAIRE  
ESTABLISHMENT OF CONSULAR RELATIONS

عنوان و موضوع ماده ۲ کنوانسیون است. توافق به استقرار روابط کنسولی، نخستین مرحله حقوقی بین دو دولت، به منظور برقرار کردن روابط کنسولی بین آنها می‌باشد. استقرار روابط کنسولی، یک توافق اصولی است و لزوماً تأسیس پست کنسولی را به همراه ندارد. استقرار روابط کنسولی، معمولاً مقدمه تأسیس پست کنسولی است.

ETABLISSEMENT D'UN POSTE CONSULAIRE  
ESTABLISHMENT OF A CONSULAR POST ۴۰ ● تأسیس پست کنسولی

پس از توافق اصولی نسبت به (استقرار روابط کنسولی)، مرحله عملی آن که (تأسیس پست کنسولی) است پیش می‌آید. در کنوانسیون به زبانهای خارجی، بین (استقرار) و (تأسیس) تفاوتی نیست.

ترجمه فارسی کنوانسیون در این دو مورد، دقیق‌تر و درست‌تر از متون اصلی کنوانسیون است. ممکن است بین برقراری روابط کنسولی و تأسیس پست کنسولی چند سال فاصله باشد. تأسیس پست کنسولی، عنوان و موضوع ماده ۴ کنوانسیون است.

۴۱ ● قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی

LA RUPTURE DES RELATIONS DIPLOMATIQUE OU CONSULAIRE  
THE SEVERANCE OF DIPLOMATIQUE OR CONSULAR RELATIONS

قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی ممکن است بر اثر اختلافات بین دو دولت (فرستنده و پذیرنده) و یا حوادث دیگر و یا تراضی بین آنها صورت گیرد.

نکته قابل توجه اینکه، قطع روابط دیپلماتیک و کنسولی ارتباطی با هم ندارند. ممکن است روابط دیپلماتیک قطع گردد بدون آنکه روابط کنسولی قطع شود و بالعکس در مواردی ممکن است دو دولت به دلایل مالی و یا سیاسی به تراضی پستهای کنسولی خود را تعطیل کنند

بدون اینکه این تعطیل در روابط دیپلماتیک آنها اثر گذارد. (مواد ۲ و ۲۷ کنوانسیون به موضوع قطع روابط مربوط می شود)

FONCTIONS CONSULAIRE  
CONSULAR FUNCTION

● ۴۲ وظایف کنسولی

تعیین (وظایف کنسولی) از کارهای اصلی و دشوار کنفرانس وین بود، زیرا وظایف کنسولی بسیار وسیع و متنوع که ذکر همه آنها امکان نداشت و ضمناً ذکر کلیات وظایف نیز وافی به مقصود نبود.

ماده ۵ کنوانسیون که عنوان (وظایف کنسولی) را دارد، با اینکه در مقایسه با سایر مواد مفصل است ولی ناقص و مبهم بوده و جامع و مانع نیز نمی باشد.

EXERCICE DES FONCTIONS CONSULAIRE  
EXERCISE OF CONSULAR FUNCTIONS

● ۴۳ انجام وظایف کنسولی

همان طور که وظایف کنسولی دامنه وسیع و مبهم دارد، اصطلاح (انجام وظایف کنسولی) نیز تعریف و حدود معین ندارد. با اینکه در کنوانسیون بارها و در موارد و مواد مختلف به انجام وظایف کنسولی اشاره شده ولی در کنفرانس وین هم نمایندگان موفق به تعریف و تعیین حدود آن نشدند. برای مثال شرکت در یک ضیافت را که مأمور کنسولی به اعتبار مقام یا سمت خود در آن دعوت شده است، جزء انجام وظایف کنسولی به شمار می آید یا نه و یا اگر در راه یک ملاقات رسمی، تصادم اتومبیل روی دهد می توان آن را واقعه ای حین انجام وظایف کنسولی محسوب کرد یا خیر.

● ۴۴ حفظ منافع اتباع

PROTEGER LES INTERETS DES RESSORTISSANTS  
PROTECTING THE INTERESTS OF NATIONALS

منظور از (حفظ منافع اتباع)، حمایت پست کنسولی از اتباع دولت فرستنده در برابر دولت و مقامات و دستگاههای محلی در کشور پذیرنده است. در این مورد، پست کنسولی

ضمن رعایت قوانین و مقررات محل، برای حفظ منافع اتباع با مقامات دولت پذیرنده روبروست و این گاه برای احقاق حق و یا جلوگیری از پایمال شدن حق و یا اعاده حق یک شخص حقیقی یا حقوقی از اتباع می‌باشد (موضوع ماده ۵ تبصره الف کنوانسیون)

برای مثال در مواقع بازداشت یا زندانی شدن یکی از تبعه، یا در مواردی که نصب قیم یا سرپرست لازم شود و یا حفظ اموال متوفی برای تأمین حقوق وراثت هنگام وقوع سوانح و غیره وظیفه مأمورین کنسولی اتخاذ تدابیر لازم و اقدامات قانونی است نزد مقامات دولت پذیرنده. (موضوع مواد ۳۶ و ۳۷ کنوانسیون)

#### ۴۵ • کمک و مساعدت به اتباع

##### PROTECTOR SECOURS ET ASSISTANCE AUX RESSORTISSANTS HELPING AND ASSISTING NATIONALS

اصطلاح کمک و مساعدت به اتباع، هنگامی به کار می‌رود که پست کنسولی مستقیماً با اتباع طرف باشد و این برخلاف (حفظ منافع اتباع) است که طرف پست کنسولی مقامات دولت پذیرنده می‌باشند (موضوع ماده ۵ تبصره ه کنوانسیون).

کمک و مساعدت به اتباع، اعم از حقیقی و حقوقی، از وظایف اصلی و قدیم کنسولی بوده و هست. نحوه کمک و مساعدت قابل شمارش نیست و بسیار متنوع است. از جمله دادن اطلاعات در همه زمینه‌ها، راهنمایی توریستها، محصلین، بیماران، کمک و مساعدت به کسانی که دچار تصادف یا حوادث و سوانح شده‌اند و غیره ...

#### ۴۶ • طبقات پست کنسولی

##### CLASSES DES POSTES CONSULAIRES CLASSIFICATION OF CONSULAR POSTS

ماده ۵ کنوانسیون که عنوان (طبقات رؤسای پستهای کنسولی) را دارد، در حقیقت پستهای کنسولی را از نظر اهمیت به چهار طبقه تقسیم کرده است. این چهار طبقه به ترتیب عبارتند از: پست سرکنسولی، پست کنسولی، پست کنسولیاری و نمایندگی کنسولی.

این طبقه‌بندی در ماده ۵ گرچه به ظاهر براساس مقام رئیس پست است ولی در واقع مبنای آن اهمیت محل و وسعت حوزه و تعداد اتباع و میزان بازرگانی و حجم مبادلات و غیره است. (طبقه) که در ماده ۵ برابر با لغت خارجی Classe آمده است و به تقسیم‌بندی رؤسای پستهای کنسولی مربوط است، نباید با (دسته) که در ماده اول بند دوم برابر با Categorie آمده و مربوط به تقسیم‌بندی مأمورین کنسولی به حرفه‌ای (کاریری) و افتخاری است اشتباه کرد و این اشتباهی است که در ترجمه رسمی فارسی ماده ۱۹ کنوانسیون روی داده است. در این ماده لغت‌های Categorie به (طبقه) و Classe به (رتبه!) ترجمه شده است.

#### ۴۷ • دسته‌های مأمورین کنسولی

##### CATEGORIES DE FONCTIONNAIRES CONSULAIRES CATEGORY OF CONSULAR FONCTIONERS

در ماده اول بند دوم کنوانسیون، مأمورین کنسولی بر دو دسته Categories تقسیم شده‌اند. مأمورین کنسولی حرفه‌ای و مأمورین کنسولی افتخاری.

ماده ۱۹ بند دوم همین کنوانسیون، اگر متون خارجی به درستی ترجمه می‌شد چنین می‌بود: «دولت فرستنده در مهلت کافی، نام و نام خانوادگی و دسته Categorie و طبقه Classe کلیه مأموران کنسولی .... را اعلام می‌نماید.....»

ولی متن ماده مذکور در ترجمه رسمی فارسی کنوانسیون چنین است: «دولت فرستنده در مهلت کافی، نام و نام خانوادگی و طبقه و رتبه کلیه مأموران کنسولی .... را اعلام می‌نماید.....»

چنانکه در جای خود گفته شده، Classe برابر طبقه است (ماده ۹ تحت عنوان طبقات رؤسای پستهای کنسولی) و چنانکه در بالا، (طبق ماده اول بند دوم) مذکور گردید، Categorie مربوط به دسته‌بندی مأمورین کنسولی به حرفه‌ای و افتخاری است. با این توضیح، معلوم نیست چرا در ترجمه ماده ۱۹ کلمه رتبه پیدا شده و لغت طبقه که بعد از دسته ذکر شده مقدم بر آن آمده است. رتبه یا پایه، اصطلاحاً در فارسی به درجات اداری گفته می‌شود و مربوط به حقوق اداری

و داخلی کشورهاست و ارتباط مستقیم با مقام مأمورین کنسولی ندارد. در مورد *Categorie* هم شاید بهتر می‌بود اگر کلمه (رسته) که در اصطلاح اداری وزارت امور خارجه به جای (گروه) و (دسته) به کار می‌رود استفاده می‌شد.

#### ۴۸ • کنسول افتخاری

کنسول افتخاری کسی است که احتمالاً از اتباع کشور پذیرنده و یا از خارجیان مقیم کشور پذیرنده بوده و یا مأموریت از جانب یک دولت خارجی که او را با این سمت منصوب کرده است، بدون آنکه کارمند دولت اخیر باشد، وظایف کنسولی به نفع آن انجام می‌دهد و معمولاً از این بابت حقوق ثابتی دریافت نمی‌دارد و ضمناً انجام خدمات کنسولی مانع آن نیست که وی دارای شغل یا مشاغل دیگر انتفاعی در کشور پذیرنده باشد.

کنسول افتخاری نسبت به کنسول حرفه‌ای (یا کاریری) مشغله و مسئولیت کمتری دارد و به همین دلیل در مقایسه با اینها، از امتیازات کمتری برخوردار است. سیستم کنسولی افتخاری، دارای معایب و مزایایی است. مع‌ذک قبل از تدوین کنوانسیون روابط کنسولی این سیستم در حال از بین رفتن بوده ولی در کمیسیون حقوق بین‌الملل و در کنفرانس وین، به دنبال اصرار بعضی دولت‌های کوچک دنیای سوم، این رژیم حفظ گردید و فصلی جداگانه به مقررات آن اختصاص یافت.

#### CONSUL GENERAL CONSUL - GENERAL

#### ۴۹ • سرکنسول

بالاترین طبقه از رؤسای پستهای کنسولی است (بنابر ماده ۹ کنوانسیون) سرکنسول در پست سرکنسولی ریاست دارد. در گذشته به سرکنسول، سرکنسول یا ژنرال قنصل می‌گفتند، و به پست مربوط به او سرکنسولگری یا سرکنسولگری گفته می‌شد. در ماده ۱ و ۴ کنوانسیون اصطلاح از مُدافتاده سرکنسولگری چند بار به کار رفته است. سرکنسول فقط در حوزه خود ریاست دارد ولی نسبت به پستهای خارج از حوزه خود در سرزمین دولت پذیرنده، گرچه از طبقه

پایین تر باشند (پست کنسولی و یا پست کنسولیاری) ریاستی ندارد.

در کتاب (ترمینولژی حقوق) تألیف آقای دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی در لغت (کنسول)، اصطلاح سرکنسول چنین تعریف شده: «کنسولی که در کشوری بر اعمال همه کنسولهای دولت متبوع خود نظارت دارد.» این تعریف درست نیست، زیرا هر پست کنسولی از هر طبقه که باشد مستقل است و رئیس پست طبقه بالاتر، دخالتی در پست طبقه پایین تر از خود را ندارد.

FONCTIONNAIRE CONSULAIRE  
CONSULAR OFFICER

۵۰ ● مأمور کنسولی

تعریف (کنسول) و (مأمور کنسولی) دشوار می باشد، زیرا در طول زمان، نحوه انتصاب، وضع حقوقی و وظایف آنان دچار تغییر و تحول شده است. تعریفی که امروز می توان با توجه به کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی، به طور کلی از مأمورین کنسولی به دست داد چنین است:

مأمور کنسولی، مأمور یک حکومت است که در سرزمین کشوری دیگر و با موافقت آن، به این عنوان رسماً معرفی شده و مأموریت دارد، در حدود اختیاراتی که حقوق بین الملل تعیین کرده و مورد توافق دو دولت است، وظایفی که در جهت حفظ و حمایت منافع دولت مربوطه و اتباع آن بر عهده وی واگذار شده، انجام دهد و برای اجرای این وظایف خود از امتیازاتی در کشور پذیرنده برخوردار باشد.

FONCTIONNAIRES CONSULAIRES  
CONSULAR OFFICERS

۵۱ ● مأمورین کنسولی

مأمورین کنسولی بالاترین طبقه از اعضاء پست کنسولی هستند و عموماً کارمندان دولت فرستنده می باشند که به کشور پذیرنده اعزام و به این عنوان رسماً به مقامات مربوطه معرفی می شوند. اصطلاح مأمورین کنسولی شامل رئیس پست کنسولی نیز هست. دولتها در نامگذاری و طبقه بندی مأمورین کنسولی خود، به جز در مورد رئیس پست کنسولی که طبق

طبقه‌بندی ماده ۹ کنوانسیون صورت می‌گیرد، آزاد هستند. مأمورین کنسولی بالاترین مقام و بیشترین مسئولیت را در پست کنسولی دارند و از بیشترین امتیازات نیز برخوردار می‌باشند. در ماده ۱ بند اول تبصره (د)، مأمور کنسولی چنین تعریف شده: «اصطلاح «مأمور کنسولی» یعنی هر شخصی - منجمله رئیس پست کنسولی - که در این سمت عهده‌دار وظایف کنسولی است». و این تعریفی نارسا و فاقد هرگونه مشخصه است که معرف مأمور کنسولی باشد. مأمورین کنسولی جزء (اعضاء پست کنسولی) بوده و به غیر از رئیس پست کنسولی، بقیه مأمورین کنسولی جزء (کارکنان پست کنسولی) نیز به شمار می‌آیند.

CHEF DE POSTE CONSULAIRE  
HEAD OF CONSULAR POST

● ۵۲ رئیس پست کنسولی

در کنوانسیون طی ماده یک بند اول تبصره ج چنین آمده است: «اصطلاح «رئیس پست کنسولی» یعنی شخصی که مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌باشد». بنابر ماده ۹ کنوانسیون، رؤسای پست کنسولی به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

CONSULS GENERAUX  
CONSULS - GENERAL

- سرکنسولها (در رأس پست سرکنسولی)

CONSULS

- کنسولها (در رأس پست کنسولی)

VICE - CONSULS

- کنسولیارها (در رأس پست کنسولیاری)

AGENTS CONSULAIRES  
CONSULAR AGENTS

- نمایندگان کنسولی (در رأس پست نمایندگی کنسولی)

کنسولها و کنسولیاریها در صورتی که در پستهای طبقه بالاتر خدمت کنند سمت ریاست نخواهند داشت و جزء سایر مأمورین کنسولی به شمار خواهند آمد و اگر هم در غیاب رئیس خود به ریاست رسند، عنوان (متصدی موقت) را خواهند داشت.

AGENT CONSULAIRE  
CONSULAR AGENT

● ۵۳ نماینده کنسولی (عامل کنسولی)

معلوم نیست چرا کلمه فرانسوی و انگلیسی AGENT در ترجمه فارسی کنوانسیون، برابر (نماینده) آمده است در حالی که نماینده در زبانهای خارجی Représentant می‌باشد. شاید

بہتر می‌بود اگر به جای «نماینده کنسولی» که اصطلاح مناسبی به نظر نمی‌رسد، اصطلاح دیگری مانند (عامل کنسولی) و یا (کارگزار کنسولی) انتخاب می‌شد.

نماینده کنسولی کسی است که در یک شهر یا بندری خارج از مقر پست کنسولی ولی در داخل حوزه آن پست، به بعضی از امور کنسولی می‌پردازد. نماینده کنسولی ممکن است از طرف دولت فرستنده به عنوان رئیس پست نمایندگی کنسولی معرفی شود و یا از طرف پست کنسولی طبقه بالاتر و در داخل حوزه آن بدون آنکه ریاست داشته باشد، عمل کند. (موضوع ماده ۶۹ کنوانسیون)

MEMBRES DU POSTE CONSULAIRE  
MEMBERS OF THE CONSULAR POST

۵۴ ● **اعضاء پست کنسولی**

همه کسانی که در یک پست کنسولی کار می‌کنند و از دولت فرستنده حقوق می‌گیرند، اعضاء پست کنسولی را تشکیل می‌دهند. اعضاء پست کنسولی از سه گروه تشکیل می‌شوند که به ترتیب مقام و اهمیت عبارتند از:

۱. مأمورین کنسولی ۲. کارمندان کنسولی ۳. خدمه کنسولی (موضوع ماده ۱ بند اول تبصره (ز) کنوانسیون)

رئیس پست کنسولی که جزء مأمورین کنسولی به شمار می‌رود، خود یکی از اعضاء پست کنسولی محسوب است. اگر رئیس پست کنسولی جزء اعضاء پست کنسولی به شمار نیاید، سایر اعضاء را بہتر است (اجزاء کنسولی) نامید، ولی در کنوانسیون اعضاء پست کنسولی را بدون در نظر گرفتن رئیس پست، (کارکنان کنسولی) گفته که اصطلاحی نارسا و غیرمعمول به نظر می‌رسد.

EMPLOYES CONSULAIRES  
CONSULAR EMPLOYEES

۵۵ ● **کارمندان کنسولی**

کارمندان کنسولی سمتی از نوع کنسولی ندارند و فقط در امور اداری و انجام وظایف کنسولی به آنان کمک می‌نمایند. به اینان کارمندان اداری یا فنی نیز گفته می‌شود. کارمندان

کنسولی معمولاً تابع کشور فرستنده بوده و از آنجا به پست کنسولی اعزام می‌شوند و مشاغل اینان عبارتست از منشی مخصوص، ماشین‌نویس، حسابداری، رمز، ترجمه، بایگانی و امثال آن. امتیازات محدودی به کارمندان کنسولی تعلق می‌گیرد که در حد وظایف آنان است. اگر کارمندان کنسولی از اتباع کشور پذیرنده باشند از امتیازات کمتری برخوردار می‌شوند. بنابراین تعریف کنوانسیون «کارمندان کنسولی یعنی هر شخصی که در دوائر اداری یا فنی یک پست کنسولی به خدمت گماشته شده است» (ماده ۱ بند اول - تبصره هـ).

PERSONNEL CONSULAIRE  
CONSULAR STAFF

۵۶ ● کارکنان کنسولی

گفته شده که کلیه کسانی که در یک پست کنسولی کار می‌کنند، اعم از مأمورین کنسولی، کارمندان کنسولی و خدمه کنسولی، همه (اعضاء پست کنسولی) را تشکیل می‌دهند. کارکنان کنسولی همه اعضاء پست کنسولی را - بدون رئیس پست کنسولی - دربرمی‌گیرد. ماده ۱ بند اول، تبصره (ح) کنوانسیون، در این خصوص چنین می‌گوید: «اصطلاح «کارکنان کنسولی» یعنی مأموران کنسولی - به غیر از رئیس پست کنسولی - و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری». در نظر ما، به کاربردن کلمه «کارکنان» در این اصطلاح مناسب نیست و بهتر است «کارکنان» را در برابر کلمه «خدمه» یا مستخدمینی به کار برد و به جای (کارکنان کنسولی) اصطلاحات دیگری مانند (اجزاء کنسولی) - شامل رئیس پست نمی‌شود -

PERSONNEL DE SERVICE  
SERVICE STAFF

۵۷ ● خدمه کنسولی

«اصطلاح «خدمه» یعنی هر شخصی که برای انجام امور خانگی پست کنسولی استخدام شده است.» (ماده ۱ بند اول تبصره «و»)

به نظر بهتر بود اگر به جای خدمه، (کارکنان) گفته می‌شد، زیرا معمولاً از اصطلاح (کارمند) کسانی تداعی به ذهن می‌شوند که کارهای فکری را انجام می‌دهند و (کارکنان) کسانی که کارهای بدنی می‌کنند. اصطلاح مناسب دیگر به جای (خدمه) ممکن است (خدمتگزاران)

باشد. در هر صورت لازم بود برای اصطلاح (کارکنان کنسولی) موضوع ماده ۱ بند اول تبصره (ح) عنوان دیگری که جامع مأمورین و کارمندان و کارکنان کنسولی باشد، انتخاب می‌شد. خدمه کنسولی کارهای مختلف و متعدد ممکن است انجام دهند، از جمله اینان راننده، نامه‌رسان، آشپز، دربان، ناظر، سرپیشخدمت، خدمتکار، پرستار و امثال آن. خدمه کنسولی معمولاً در کشور پذیرنده و از اتباع این دولت استخدام می‌شوند ولی حقوق خود را همگی از دولت فرستنده دریافت می‌دارند. در تعریف بالا، اصطلاح «امور خانگی» ترجمه‌ای نامناسب است، زیرا در حقیقت خدمه، (خدمتگزاران در پست کنسولی) هستند و وظایف آنان به خانه و کارهای خانگی ارتباطی ندارد.

PERSONNEL PRIVÉ  
PRIVATE STAFF

۵۸ • خدمتکاران شخصی

خدمتکاران شخصی به کسانی اطلاق می‌شود که در خدمت یکی از اعضاء پست کنسولی درآمدی ولی خود جزء اعضاء پست کنسولی به شمار نمی‌آیند. اینان به امور خانگی اعضاء پست کنسولی می‌پردازند. تفاوت (خدمتکاران شخصی) با (خدمه کنسولی) در این است که گروه اول حقوق خود را مستقیماً از عضو کنسولی که به خدمت او درآمد دریافت می‌دارند، در صورتی که (خدمه کنسولی) حقوق خود را از دولت فرستنده دریافت می‌دارند. به موجب ماده ۱ بند اول تبصره (ط)، «اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسی که منحصرأً به خدمت شخصی یکی از اعضاء پست کنسولی گماشته شده است».

خدمتکاران شخصی، خدماتی مشابه خدمه کنسولی دارند و ممکن است راننده، آشپز، پیشخدمت، دربان، پرستار، معلم خانگی و غیره باشند ولی برای شخصی که آنان را استخدام کرده است و کارفرمای او به شمار می‌آید.

۵۹ ● اعضای خانواده که هم منزل می‌باشند

MEMBRES DE FAMILLE VIVANT AU (MEME) FUYER  
MEMBERS OF FAMILY FORMING PART OF THE HOUSEHOLD

در ترجمه متن فارسی، همه جا در توضیح خانواده اعضاء پست کنسولی، از کسانی سخن می‌رود که «اهل خانه» او هستند. ولی با توجه به مفهوم این اصطلاح، ساده‌تر این است که در توضیح جمع افراد خانواده یک عضو گفته شود، اعضاء خانواده که با او (هم منزل) می‌باشند. اصطلاح اخیر هم ساده و هم روشن‌تر است و در این مفهوم، فرزندان با سایر افراد خانواده که در منزل یا شهر دیگری زندگی می‌کنند، مشمول نمی‌شوند.

۶۰ ● متصدی موقت پست کنسولی

GERANT INTERIMAIRE D'UN POSTE CONSULAIRE  
ACTING HEAD OF CONSULAR POST

متصدی موقت پست کنسولی کسی است که در غیاب رئیس پست کنسولی، برای مدتی به طور موقت، اداره امور پست کنسولی به او واگذار می‌گردد. دوران (تصدی موقت) محدودی ندارد و گاه ممکن است ماهها و بلکه سالها در انتظار مراجعت رئیس پست و یا فاصله عزیمت قطعی رئیس پست و انتصاب رئیس جدید، این تصدی به طول انجامد و حتی ممکن است بر اثر تیرگی روابط، دولت فرستنده عملاً از اعزام رئیس پست خودداری نماید و به عمد مقام پایین‌تری را برای اداره امور پست کنسولی خود بگمارد، ولی به هر حال، دوران تصدی هر قدر هم که طولانی باشد، صفت موقت آن باقی است.

متصدی موقت، اصولاً از تمام مزایای رئیس پست کنسولی برخوردار می‌باشد. گرچه ممکن است دولت پذیرنده آن را محدود سازد. از نظر تشریفات هم، متصدیان موقت در صف تقدم، پس از رؤسای پستهای کنسولی حاضر قرار می‌گیرند، گرچه مقام کنسولی آنان بالاتر از مقام رؤسای پستهای کنسولی حاضر باشد. (مواد ۱۵ و ۱۶ کنوانسیون به متصدیان موقت پستهای کنسولی مربوط است).

NOMINATION  
APPOINTMENT

۶۱ • منصوب کردن [نامزدکردن]

در زبان فارسی برابر کلمات خارجی مذکور، دو لغت وجود دارد. منصوب کردن و نامزدکردن که به دو معنی خاص به کار می‌روند.

۱. انتصاب - در موردی است که حکم مأموریت دولت فرستنده قطعی است و نیازی به قبول و موافقت دولت پذیرنده ندارد. چنین است آزادی هر دولت در انتخاب کارکنان پستهای کنسولی. (موضوع ماده ۱۹ کنوانسیون)

۲. نامزدکردن - در موردی است که حکم مأموریت دولت فرستنده قطعیت نداشته و مستلزم قبول و موافقت دولت پذیرنده است. چنین است در مورد نامزدکردن رئیس پست کنسولی که حکمی موقت است و موقعی قطعیت می‌یابد که دولت پذیرنده با انتصاب آنان موافقت نماید (موضوع مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون)

در کنوانسیون، در همه موارد لغت (انتصاب) به کار رفته، در حالی که در ترجمه کنوانسیون بهتر بود از دقت و غنای زبان فارسی بهره برده می‌شد و کلمه خارجی در دو اصطلاح و هر کدام در مورد خاص خود به کار می‌رفت.

LETTRE DE PROVISION  
THE CONSULAR COMMISSION

۶۲ • حکم مأموریت (حکم موقت)

(حکم مأموریت) که ترجمه اصطلاح انگلیسی آن می‌باشد، آن چنانکه در ماده ۱۰ کنوانسیون آمده است درست نیست، زیرا این اصطلاح به حکمی اطلاق شده که از طرف دولت فرستنده، برای کسی که نامزد ریاست پست کنسولی است موقتاً صادر می‌گردد و محتوای آن به دولت پذیرنده ابلاغ می‌گردد - معمولاً این ابلاغ محرمانه صورت می‌گیرد - و اگر این دولت با چنین انتصابی موافقت کند، حکم جنبه قطعی به خود می‌گیرد.

با این توضیح، اصطلاح فرانسوی که (حکم موقت) معنی می‌دهد، برای ترجمه مناسب تر می‌نماید. اگر (حکم مأموریت) چنانکه از این اصطلاح مستفاد می‌شود، از طرف دولت فرستنده حکم قطعی تلقی می‌گردد، چطور می‌توان ردکردن آن را از طرف دولت پذیرنده

توجیه کرد؟

اصطلاح دیگری که در زبان فرانسوی مترادف *Lettre de Provision* به کار می‌رود، کلمه *Patente* است. استاد صدیق حضرت، در این مورد «روانامه» را به کار برده و معرفی‌نامه را برابر اکزکواتور<sup>۱</sup> دانسته است، در حالی که بهتر می‌بود اگر (معرفی‌نامه) به جای (حکم موقت) به کار برده می‌شد و (روانامه) هم چنانکه امروزه معمول است برابر با (اکزکواتور) می‌آمد. (کتاب حقوق بین‌الملل عمومی، جلد دوم، چاپ دانشگاه تهران، صفحه ۳۰).

۶۳ • ابلاغ نامزدی (یا اعلام انتصاب؟) NOTIFICATION DE LA NOMINATION  
NOTIFICATION OF APPOINTMENT

در مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون که مربوط به نحوه انتصاب رؤسای پستهای کنسولی است، جمله خارجی فوق به (اعلام انتصاب) ترجمه شده است. با توجه به تعاریفی که از کلمات (اعلام) و (ابلاغ) و همچنین (نامزدکردن) و (انتصاب) شده است، بهتر می‌بود اگر به جای اصطلاح (اعلام انتصاب رؤسای پستهای کنسولی) اصطلاح (ابلاغ نامزدی رؤسای پستهای کنسولی) گفته می‌شد.

دلیل اینکه، در مرحله اول که انتخاب شدن شخصی از طرف دولت فرستنده برای ریاست پست کنسولی است، موضوع محرمانه است و بنابراین (اعلام) نمی‌شود تا همگان اطلاع پیدا کنند، زیرا احتمال آن است که دولت پذیرنده شخص نامزدشده به این مقام را نپذیرد و علنی شدن این موضوع نه برای دولت پذیرنده و نه برای دولت فرستنده خوش‌آیند نیست. بنابراین، رسم بر این است نام شخص برای ریاست پست کنسولی در نظر گرفته شده، به طور محرمانه به دولت پذیرنده (ابلاغ) می‌شود، تا در صورت پذیرفته نشدن او اشکالی پیش نیاید. در مورد (انتصاب) نیز چنانکه گفته شد، تا هنگامی که شخص از طرف دولت پذیرنده، پذیرفته نشده و حکم قطعی نیافته، انتصابی صورت نمی‌گیرد و باید شخص انتخاب شده از طرف دولت فرستنده، به عنوان کسی که (نامزد) پست ریاست گردیده است تلقی کرد.

EXEQUATUR  
EXEQUATUR

۶۴ ● روانامه - اکزکواتور

در زبان فارسی، روانامه به سندی گفته می‌شود که از طرف مقامات دولت پذیرنده صادر می‌گردد و به موجب آن رئیس پست کنسولی به این سمت شناخته شده و به او اجازه داده می‌شود وظایف کنسولی خود را در حوزه مربوطه آغاز نماید.

استاد صدیق حضرت، اکزکواتور را (معرفی‌نامه) ترجمه کرده است و در تعریف آن نوشته است که آن «نوشته‌ای است که به موجب آن دولت متوقف فیها قنسل را به عمال محل مأموریت معرفی نموده و به آنها دستور می‌دهد که از انجام وظایف مشارالیه جلوگیری ننمایند. (کتاب حقوق بین‌الملل، جلد دوم، چاپ دانشگاه تهران، صفحه ۳۱).

اکزکواتور کلمه لاتین است که عیناً چنانکه نوشته شده خوانده می‌شود و معنی تحت‌اللفظی آن (اجرا کند) می‌باشد و در اینجا منظور این است که رئیس پست کنسولی که اکزکواتور به نامش صادر شده، اجازه دارد وظایف کنسولی خود را اجرا کند.

تاریخ روانامه، از نظر آغاز انجام امور کنسولی و همچنین از نظر ترتیب تقدم تشریفاتی دارای اهمیت است. اشکال در متون اصلی کنوانسیون، اختلافی است که ممکن است بین تاریخ صدور و تاریخ اعطای آن وجود داشته باشد. (موضوع مواد ۱۲ و ۱۶ کنوانسیون)

روانامه اصولاً برای رئیس پست کنسولی صادر می‌گردد ولی در مواردی ممکن است صدور روانامه برای عضو دیگری که ریاست پست کنسولی را ندارد لازم شود. (موضوع ماده ۱۹ بندهای ۳ و ۴).

ADMISSION PROVISOIRE  
PROVISIONAL ADMISSION

۶۵ ● پذیرش موقت

در صورتی است که نامزد ریاست پست کنسولی هنگام ابلاغ (حکم موقت) ریاست پست کنسولی از طرف دولت فرستنده و قبل از صدور روانامه (اکزکواتور) در محل بوده و یا به محل وارد شود و در انتظار انجام تشریفات صدور روانامه که گاه طولانی است، از طرف دولت پذیرنده موافقت شود که امور کنسولی را موقتاً تا صدور روانامه انجام دهد. این موافقت دولت

پذیرنده به صورت نوشته‌ای که (پذیرش موقت) نامیده می‌شود، صادر می‌گردد. (پذیرش موقت) در فاصله ابلاغ (حکم موقت) و اعطای (روانامه) صادر می‌شود. تاریخ (پذیرش موقت) اهمیت دارد، زیرا از آن تاریخ نامزد ریاست پست کنسولی می‌تواند وظایف مربوط به رئیس پست کنسولی را انجام دهد و ضمناً از نظر تشریفاتی، این تاریخ مآخذ حق تقدم می‌باشد، (موضوع مواد ۱۳ و ۱۶ کنوانسیون)

#### PERSONA NON GRATA

#### ● ۶۶ عنصر نامطلوب

این اصطلاح لاتین که در اکثر زبانهای خارجی، در متون حقوقی عیناً به کار می‌رود، در کنوانسیون روابط کنسولی فقط در مورد مأمورین کنسولی، هنگامی که حضورشان و یا نحوه رفتارشان مورد قبول دولت پذیرنده نیست به کار رفته است. این موضوع در ماده ۲۳ کنوانسیون که عنوان «اشخاصی که نامطلوب اعلام می‌شوند» مطرح گردیده است. درباره نامطلوب بودن رئیس پست کنسولی، طی ماده ۱۲ که مربوط به (روانامه) است، همین مطلب بدون ذکر (عنصر نامطلوب) چنین بیان شده است: «دولتی که از صدور روانامه خودداری می‌نماید ملزم به ارائه دلایل امتناع خود به دولت فرستنده نیست».

بدیهی است دلیل خودداری از صدور روانامه این است که دولت پذیرنده شخصی را که نامزد ریاست پست کنسولی است «عنصر نامطلوب» می‌داند. ظاهراً در این مورد که رئیس پست هنوز انتصابش تسجیل نشده، لزومی نیست که دولت پذیرنده «عنصر نامطلوب» بودن او را به دولت پذیرنده ابلاغ نماید و فقط از صدور روانامه امتناع می‌کند. و اما پس از انتصاب و آغاز به انجام وظایف رئیس پست کنسولی و یا هر مأمور کنسولی را «دولت پذیرنده می‌تواند در هر زمان به دولت فرستنده اطلاع دهد» که او را «عنصر نامطلوب» می‌داند و فراخواندن او را بخواهد (ماده ۲۳ بند اول).

در کنوانسیون در مورد سایر اعضاء پست کنسولی، به جای «عنصر نامطلوب» اصطلاح «غیرقابل قبول» به کار گرفته شده است.

NON ACCEPTABLE  
NOT ACCEPTABLE

۶۷ ● غیر قابل قبول

اصطلاح «غیر قابل قبول» به جای «عنصر نامطلوب» در مورد کارمندان کنسولی و خدمه کنسولی در (ماده ۲۳ بند اول) کنوانسیون به کار رفته است. در صورتی که دولت پذیرنده حضور یا رفتار یکی از کارمندان کنسولی و یا خدمه کنسولی را به مصلحت خود نداند «غیر قابل قبول» بودن او را به دولت فرستنده اطلاع می‌دهد. در این صورت دولت فرستنده مکلف است اگر آن کارمند یا مستخدم اعزامی باشد، او را فراخواند و اگر از اتباع و یا مقیم کشور پذیرنده باشد به خدمت او پایان دهد.

«غیر قابل قبول» بودن ممکن است پس از اعلام انتصاب کارمند یا مستخدم به مقامات مربوطه و قبل از آغاز انجام وظایف او باشد و یا اینکه بعد از آغاز انجام وظایف «غیر قابل قبول» بودن وی به اطلاع دولت فرستنده رسانده شود.

نکته قابل ذکر اینکه، در شرایط عادی «عنصر نامطلوب» و یا «غیر قابل قبول» بودن یک عضو پست کنسولی بهتر است به نحو محرمانه به دولت فرستنده ابلاغ و یا اطلاع داده شود - و نه آنچنانکه در کنوانسیون آمده است - اعلام گردد، زیرا اعلام نامطلوب بودن و یا غیر قابل قبول بودن موجب هتک احترام عضو بوده و دولت فرستنده را نیز در محظور قرار می‌دهد و ممکن است موجب تیرگی روابط گردد.

PRESEANCE  
PRECEDENCE

۶۸ ● تقدّم (ترتیب تقدّم)

مسأله تقدّم به تشریفات کنسولی مربوط می‌شود. تقدّم به معنی جلوتر بودن است و در رده‌های مختلف کنسولی، قواعد و مقررات متفاوت دارد و رویهمرفته بحثی دقیق و پیچیده است. ترتیب تقدّم در دسته‌های کنسولی (حرفه‌ای و افتخاری)، طبقات کنسولی (سرکنسولی، کنسولی، کنسولیاری)، اداره کنسولی (رئیس مأموریت یا متصدی موقت)، گروه‌های اعضاء (مأمورین کنسولی، کارمندان کنسولی) و در داخل هر گروه نیز بنا بر سابقه و مقام و رتبه و تاریخ ورود و غیره ترتیب تقدّم وجود دارد.

ماده ۱۶ عنوان (حق تقدم بين رؤسای پستهای کنسولی) و ماده ۲۱ عنوان (حق تقدم بين مأموران کنسولی یک پست کنسولی) را دارد، در حالی که در متون اصلی به زبان فرانسوی و انگلیسی سخنی از «حق» نرفته است و تنها «تقدم» گفته شده است. به نظر می‌رسد که در عناوین مواد بالا به جای «حق تقدم» بهتر باشد که «ترتیب تقدم» گفته شود زیرا «حق» معنی خاص حقوقی خود را دارد و نباید در متن رسمی اصلی، بدون دلیل اضافه شود.

#### ۶۹ • امتیازات کنسولی

اصطلاح (امتیازات کنسولی) در متن فارسی کنوانسیون وجود ندارد ولی در این تألیف بارها این اصطلاح برحسب ضرورت به کار گرفته شده است. امتیازات کنسولی را به معنی مجموع تسهیلات و مزایا و مصونیت‌هایی می‌گیریم که خاص یک پست کنسولی و اعضاء آن است، بدون آنکه سایر نهادها و افراد در داخل کشوری، از این امتیازات برخوردار باشند. در کنوانسیون، امتیازات کنسولی تحت عناوین مختلف: تسهیلات، مصونیت‌ها، حمایت‌ها، تعهد جلوگیری از تجاوز و تعرض و حفظ احترامات و شئون، آزادی‌ها، معافیت‌ها و بعضی حقوق ذکر گردیده است. برگزیدن اصطلاح (امتیازات کنسولی) برای اجتناب از ردیف کردن و تکرار نمودن اصطلاحات مذکور در بالاست. فلسفه اعطای امتیازات کنسولی که در کنوانسیون به آنها اشاره شده برای این است که مأمورین کنسولی بتوانند با آرامش خاطر و بدون مانع و نگرانی، وظایف کنسولی را در حوزه خویش انجام دهند. به طور کلی امتیازات بر دو دسته تقسیم و مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

۱. امتیازات پست کنسولی

۲. امتیازات اعضاء پست کنسولی

بعضی انواع امتیازات ممکن است به بعضی نهادها و افراد داخل کشور هم تعلق گیرد ولی تفاوت آنها با امتیازات کنسولی و دیپلماتیک در این است که اساس امتیازات گروه اول براساس قوانین و مقررات داخلی کشور است در حالی که امتیازات گروه دوم مبتنی بر عرف و

موافقتنامه‌ها و یا کنوانسیونهای بین‌المللی است.

FACILITES CONSULAIRES  
CONSULAR FACILITIES

● ۷۰ تسهیلات کنسولی

از جمله امتیازاتی است که دولت پذیرنده به پست کنسولی و اعضاء آن می‌دهد تا امور کنسولی با سهولت انجام گیرد. تسهیلات کلمه مبهمی است و می‌توان گفت که همه امتیازات کنسولی را شامل می‌شود. برای مثال، اجازه برافراشتن پرچم و نصب علامت ملی در اماکن کنسولی، از نظر اینکه محل دفاتر کنسولی را مشخص می‌نماید و مراجعه اتباع را به پست کنسولی آسان می‌سازد، فراهم کردن نوعی تسهیلات برای انجام امور کنسولی است. همین کمک دولت پذیرنده برای یافتن اماکن کنسولی و یا اقامتگاه رئیس پست و یا مسکن برای اعضاء همه از جمله تسهیلات به شمار می‌رود.

نخستین ماده فصل امتیازات کنسولی تحت عنوان (تسهیلات اعطایی به پست کنسولی جهت انجام امور) به این موضوع اختصاص دارد (ماده ۲۸ کنوانسیون). تسهیلات در جنبه‌های مختلف آن، شامل اعضاء پست کنسولی نیز می‌شود. چون در کنوانسیون حدود و موارد کاربرد تسهیلات دقیقاً روشن نیست، باید موارد اجراء و حدود اعمال آن را اگر به صراحت در کنوانسیون ذکر نشده باشد، به حسن نیت دولتها واگذار کرد.

IMMUNITES CONSULAIRE  
CONSULAR IMMUNITIES

● ۷۱ مصونیت‌های کنسولی

مصونیتها را می‌توان جنبه منفی امتیازات دانست. در کنوانسیون از مصونیت تعریفی نشده و تحت عنوان خاص هم مورد بررسی قرار نگرفته است و فهرستی از آنچه که مصونیت است نیز فراهم نشده و به همین جهت ممکن است در موارد مختلف قوامه مربوط به مصونیت با مزایا درهم شود.

اساس مصونیتها در گذشته بیشتر بر عرف بین‌المللی بوده است. زیرا انجام وظایف کنسولی بدون رعایت مصونیت امکان‌پذیر نیست. در کنوانسیون، مصونیتها در قالب مواد ریخته

شده و به صورت حقوق موضوعه درآمده است. برای تمیز بین مصونیتها و مزایا، شاید بتوان گفت که موضوعات مربوط به مزایا از نظر اهمیت به پای موضوعات مربوط به مصونیت نمی‌رسد، زیرا با حذف مزایا می‌توان امور کنسولی را انجام داد ولی اگر مصونیت‌های لازم نباشد، انجام وظایف کنسولی مختل می‌گردد. برای مثال، اگر اماکن کنسولی و بایگانی آن مصونیت نداشته باشند و به آنها تعرض شود و یا اگر مصونیت‌هایی هرچند محدود برای اعضاء پست کنسولی در نظر گرفته نشود، اداره امور پست کنسولی و انجام وظایف اعضاء پست کنسولی ممکن نخواهد بود.

CRIME GRAVE  
GRAVE CRIME

۷۲ • جنایت بزرگ (درجه یک) - (جنایت وخیم درجه یک)

مأموران کنسولی را فقط در صورت ارتکاب «جنایت وخیم» می‌توان بازداشت کرد. نکته مبهم تعریف «جنایت وخیم» است که در کنوانسیون مسکوت گذاشته شده و دلیل آن هم این است که در سیستم‌های مختلف حقوقی مفهوم «جنایت وخیم» تفاوت دارد. در ترجمه فارسی و در متن رسمی «جنایت بزرگ» گفته شده و به آن توضیح «درجه یک» اضافه شده است که در متون اصلی کنوانسیون نیست. در کمیسیون حقوق بین‌الملل و کنفرانس وین سعی شد یک مفهوم واحدی برای این نوع جنایات تعیین گردد، بعضی پیشنهاد کردند جرائمی که مجازات آنها پنج سال یا بیشتر است «جنایت وخیم» تلقی گردد ولی توافق نشد.

بالاخره، نظر به اینکه در تعیین «جنایت وخیم» نظر واحدی اتخاذ نشد و در سیستم‌های حقوقی مختلف مفهوم آن متفاوت است و اگر موارد آن تعیین می‌گردید، مستلزم تغییر قوانین داخلی بعضی کشورها می‌شد، بنابراین ملاحظات ترجیح داده شد که از این اصطلاح تعریفی دقیق به عمل نیاید و مفهوم آن همچنان مبهم گذاشته شود. (موضوع ماده ۴۱ کنوانسیون)

PRIVILEGES CONSULAIRES  
CONSULAR PRIVILEGES

۷۳ • مزایای کنسولی

در کنوانسیون از مزایای کنسولی تعریفی نشده است. اصولاً تفکیک مزایای کنسولی از

مصونیت‌های کنسولی دشوار است. در کنوانسیون هم چنین تفکیکی به عمل نیامده و مواد مربوط به مصونیت و مزایا درهم است. در بین نویسندگان حقوقی هم در ماهیت این دو و جداکردن آنها اختلاف نظر وجود دارد و به همین دلیل در این تألیف مزایا و مصونیت‌ها هر دو تحت عنوان امتیازات آمده است. به طور کلی، می‌توان گفت که مزایا جنبه مثبت امتیازات است که از طرف دولت پذیرنده به نهاد کنسولی و اعضاء آن داده می‌شود. اساس مزایا در اصل و عموماً نزاکت بین‌المللی بوده، که در کنوانسیون به صورت قواعد موضوعه درآمده است. به طور کلی یکی از وجوه افتراق بین قواعد مربوط به مزایا با قواعد مربوط به مصونیت در اهمیت آنها در انجام وظایف کنسولی است.

حذف مزایای کنسولی اثر مستقیم در انجام وظایف کنسولی ندارد و امور کنسولی را مختل نمی‌سازد. مثلاً معافیت‌های مالیاتی و گمرکی اگر حذف شود و یا اگر حقوق و عوارض گمرکی دریافت گردد، گرچه ممکن است زندگی را برای مأمورین کنسولی دشوار سازد ولی مانع انجام وظایف کنسولی نیست.

EXEMPTION CONSULAIRE  
CONSULAR EXEMPTION

● ۷۴ معافیت کنسولی

مجموعه مواردی است که بعضی از قوانین و مقررات کشور پذیرنده در مورد پست کنسولی و یا اعضاء آن اجرا نمی‌شود. معافیت‌ها وجوه متفاوت دارند و در مواد مختلف گنجانیده شده‌اند. بعضی معافیت‌ها جنبه مادی دارند مثل معافیت از پرداخت مالیات و عوارض. بعضی معافیت‌ها مربوط به اجباری است که نسبت به افراد عادی کشور پذیرنده اعمال می‌شود ولی اعضاء پست کنسولی از آن معاف می‌باشند، مثل معافیت از پروانه اقامت، پروانه کار، بیمه‌های اجتماعی. بعضی معافیت‌ها هم از نظر نزاکت داده می‌شود مثلاً معافیت از بازرسی گمرکی. معافیت‌ها را می‌توان جزء تسهیلات و یا مزایا و یا مصونیت‌های کنسولی به شمار آورد. در موارد متعددی از کنوانسیون، معافیت‌ها گنجانیده شده‌اند، از جمله مواد ۳۲، ۳۹، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۶۰، ۶۲، ۶۵ و ۶۷.

USAGE DE L'ECUSSON AUX ARMES  
USE OF COAT - OF - ARMS

۷۵ • استفاده از علامت ملی

اصطلاح (علامت ملی) که در کنوانسیون طی ماده ۲۹ آمده است، می‌توان به (نشانه رسمی) ترجمه کرد و یا شاید بهتر باشد اگر همان اصطلاح خارجی (آرم ملی) یا (آرم رسمی) را چنانکه از قدیم معمول بوده، در این مورد در زبان فارسی هم بکار برد. هر کشور دارای یک (علامت ملی) یا آرم یا نشانه است که به مانند پرچم از علائم شناسایی آن کشور است. در آرم کشورها گاه از اجرام آسمانی (خورشید، ماه، ستاره) و یا حیوانات (شیر، پلنگ، فیل، اسب، الاغ، عقاب) و گاه اسلحه (شمشیر، خنجر، نیزه، سپر) و گاه عوامل دیگر مانند درخت، برگ و غیره ... استفاده می‌شود.

آرم رسمی ایران در گذشته شیر و خورشید با شمشیر در دست بود که در آن از اجرام آسمانی و حیوانات و اسلحه استفاده شده بود و امروزه علامت جمهوری اسلامی نقشی است که در آن اسماء متبرکه (الله) و (لااله الاالله) تمیز داده می‌شود.

کنوانسیون، نصب آرم رسمی کشورها را بر مدخل اماکن کنسولی و اقامتگاه رئیس مأموریت مجاز دانسته است ولی نصب آرم رسمی بر وسائط نقلیه موردی ندارد و ماده ۲۹ در مورد اخیر نارسا انشاء شده است.

USAGE DE PAVILLON NATIONAL  
USE OF NATIONAL FLAG

۷۶ • استفاده از پرچم ملی

پرچم نشانه و معرف کشور است. هر کشور دارای یک پرچم خاص به عنوان پرچم ملی یا صحیح‌تر گفته شود (پرچم رسمی) می‌باشد. در گذشته استفاد از پرچم، در اماکن دیپلماتیک بنا بر عرف بین‌الملل مورد قبول همه کشورها قرار گرفته بود ولی در مورد پستهای کنسولی، کاربرد پرچم مورد تردید بود و در کشورهای مختلف قواعد یکسان در این زمینه وجود نداشت. کنوانسیون از این نظر که به پستهای کنسولی حق برافراشتن پرچم ملی را در اماکن کنسولی و اقامتگاه رئیس پست کنسولی و وسائط نقلیه او داده است، در حقیقت حقوق کنسولی را پیشرفت داده و امتیازات کنسولی را به امتیازات دیپلماتیک نزدیک کرده است. مع‌ذلک، اعمال

این حق را مشروط به رعایت قوانین و مقررات کشور پذیرنده کرده است. در ماده ۲۹ کنوانسیون، موضوع استفاده از «پرچم و علامت ملی» به دنبال هم ذکر شده است.

#### ۷۷ • صرفنظر از مزایا و مصونیتها

##### RENONCIATION AUX PRIVILEGES ET IMMUNITES WAIVER OF PRIVILEGES AND IMMUNITIES

عنوان فارسی ماده ۴۵ کنوانسیون (سلب مزایا و مصونیتها) است. ترجمه صحیح اصطلاحات خارجی (صرفنظر از مزایا و مصونیتها) می‌باشد. با توجه به مفاد ماده مذکور معلوم می‌شود که اصطلاح (صرفنظر کردن) درست و (سلب کردن) نادرست می‌باشد. توضیح اینکه مصونیت اعضاء کنسولی به خاطر دولت فرستنده برقرار گردید و این حق متعلق به این دولت است و تنها دولت فرستنده است که می‌تواند از مصونیت مأموران خود صرفنظر نماید. بنابراین اگر موردی پیش آید که دولت فرستنده نخواهد از حق مصونیت اعضاء استفاده کند، از اعمال آن (صرفنظر) می‌نماید. به کاربرد اصطلاح (سلب مصونیت) در صورتی درست می‌بود که از طرف دولت پذیرنده نسبت به یک عضو کنسولی اعمال می‌شد، در حالی که در حقوق کنسولی چنین حقی به دولت پذیرنده داده نشده و نمی‌تواند به هیچ عنوان مصونیت یک عضو کنسولی را سلب نماید، بلکه حداکثر می‌تواند او را (عنصر نامطلوب) اعلام نماید.

##### VALISE CONSULAIRE CONSULAR BAG

#### ۷۸ • کیسه کنسولی

در کنوانسیون تعریفی از کیسه کنسولی نشده است. در (کنوانسیون درباره موقعیت پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد) - سال ۱۹۸۹ - در ماده ۳ بند دوم - «کیسه دیپلماتیک» چنین تعریف شده: «اصطلاح «کیسه دیپلماتیک» به بسته‌ای اطلاق می‌گردد که حاوی مکاتبات رسمی و یا اسناد و موادی باشد که صرفاً مورد استفاده رسمی قرار می‌گیرند و ..... برای ارتباطات رسمی استفاده می‌شوند و با علائم خارجی، از قبیل امور زیر، مشخص گردیده‌اند: ..... (ب) «کیسه کنسولی» در معنایی که «کنوانسیون وین درباره روابط

کنسولی» مصوب ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ به کار برده .....». (نقل از کتاب حقوق دیپلماتیک نوین - تألیف عباس معین زاده - سال ۱۳۷۲ - ترجمه کنوانسیون توسط عباس معین زاده - صفحه ۳۴۴). کیسه پست کنسولی از مصونیت برخوردار است ولی این مصونیت در حد مصونیت کیسه دیپلماتیک نیست. مصونیت کیسه پست کنسولی ارتباطی با مصونیت پیک کنسولی ندارد و این کیسه چه با پیک فرستاده شود و چه با وسایل دیگر، مصونیت آن محفوظ است. کیسه کنسولی لزوماً نباید به صورت کیسه باشد، بلکه این اصطلاح می تواند شامل بسته، جعبه، صندوق و یا محمولات دیگر باشد. دولتهایی که در راه عبور (ترانزیت) کیسه کنسولی قرار دارند، مصونتهای مذکور در کنوانسیونهای مربوط را الزاماً باید رعایت نمایند.

#### COURRIER CONSULAIRE CONSULAR COURIER

#### ۷۹ • پیک کنسولی

در کنوانسیون تعریفی از پیک کنسولی نشده است. تعریفی هم که در (کنوانسیون درباره موقعیت پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد) - سال ۱۹۸۹ - در ماده ۳ بند اول آمده است، نارساست. به موجب این تعریف: اصطلاح «پیک دیپلماتیک به شخصی اطلاق می شود که از جانب دولت فرستنده بر طبق یک مبنای منظم یا برای مأموریت معینی و به عنوان پیک موقت مانند ..... یک «پیک کنسولی» به معنایی که در «کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی» مصوب ۲۲ آوریل ۱۹۶۳ منظور داشته .....» [اعزام گردد]. به چنین شخصی، گرفتن، حمل و تحویل کیسه دیپلماتیک محول گردیده است. (نقل از کتاب حقوق دیپلماتیک نوین - تألیف عباس معین زاده - چاپ ۱۳۷۲ - ترجمه کنوانسیون توسط عباس معین زاده - صفحه ۳۴۴)

پیک کنسولی از هنگام آغاز مأموریت از مصونیت و مزایای خاصی برخوردار می شود که از مصونیت و مزایای مأموران کنسولی بیشتر است و در حد مأموران دیپلماتیک می باشد. دولتهایی که در راه عبور (ترانزیت) پیک کنسولی قرار دارند، متعهدند مصونتهایی که طبق مقررات کنوانسیونها برای آنها تعیین شده مراعات کنند.

## منابع و مأخذ

- یادداشتهایی از کتابهای مربوط به حقوق کنسولی، به زبانهای فارسی، فرانسه، انگلیسی.  
- اخبار و مطالب روزنامه‌ها و مجلات ایرانی و خارجی  
- تجارب و خاطرات و استنباطات شخصی  
تقسیم‌بندی و نظم مطالب این مجموعه نیز مبتنی بر سلیقه نگارنده است.  
در این تألیف هر جا مطلبی از جایی عیناً نقل گردیده و یا مورد استناد قرار گرفته، مشخصات مأخذ آن به دنبال مطلب ذکر شده است.  
درگردآوری مطالب و شواهد، خصوصاً از کتابهای زیر که نام آنها در متن نیامده استفاده شده است:

### کتابها به زبان فرانسه

1. CAHLER (PHILIPPE)  
LE DROIT DIPLOMATIQUE CONTEMPORAIN چاپ ژنو - سال ۱۹۶۲
2. ZOUREK (YAROSLAV)  
LE STATUTET LES FONCTIONS DES CONSULS چاپ لید - سال ۱۹۶۳
3. VERDIER (ABEL)  
MANUEL PRATIQUE DES CONSULATS سال ۱۹۶۴
4. CHAZELLE (JACQUES)  
LA DIPLOMATIE چاپ پاریس - سال ۱۹۶۴
5. MOSSA (FARAG)  
MANUEL DE PRATIQUE DIPLOMATIQUE سال ۱۹۷۲

6. AHMAD (MOHAMMAD ALI)  
L'INSTITUTION CONSULAIRE ET LE  
DROIT INTERNATIONAL  
چاپ پاریس - سال ۱۹۷۳
7. THIOLLIER (FRANÇOIS)  
L'INSTITUTION CONSULAIRE A LA LUMIERE  
DE LA CONVENTION DE VIENNE  
DU 24 A VRIL 1963 ET LA PRATIQUE  
CONTEMPORAINE DES ETATS  
چاپ پاریس - سال ۱۹۷۹
- کتابها به زبان انگلیسی
8. O.N.U (OFFICIAL RECORDS)  
U.N. CONFERENCE ON CONSULAR  
RELATIONS  
چاپ سازمان ملل متحد - سال ۱۹۶۳
9. SEN (B)  
A DIPLOMAT'S HANDBOOK OF INTERNATIONAL LAW AND  
PRACTICE  
چاپ لاهه - سال ۱۹۶۵
10. LUKE (T. LEE)  
VIENNA CONVENTION ON CONSULAR  
RELATIONS  
چاپ لیدن (هلند) - سال ۱۹۶۶
11. HARDY (MICHAEL)  
MODERN DIPLOMATIC LAW  
چاپ انگلستان - سال ۱۹۶۸
12. SILVA (G.E. NACIMENTO)  
DIPLOMACY IN INTERNATIONAL LAW  
چاپ لیدن (هلند) - سال ۱۹۷۲